

# کاربرد ابزارهای مالی در قراردادهای نفت و گاز؛ الگویی برای ایران

مهران امیرمعینی<sup>۱</sup>

## چکیده

فعالیت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز بسیار سودآور بوده و سرمایه‌گذاری در این بخش با استقبال فراوانی روبه‌رو است. دولت‌ها می‌توانند رانت اقتصادی که بخشی از بازده ناشی از فعالیت اقتصادی است را بدون لطمه‌زدن به جریان تولید از سرمایه‌گذار (پیمانکار) اخذ نمایند و لذا به دنبال ابزاری هستند که در چارچوبی قانونی مازاد درآمد حاصل از این فعالیت‌ها را به خود اختصاص دهند. بنابراین برای جذب حداکثر این رانت، رژیم‌های مختلف مالی برای منابع هیدروکربوری تدوین و ارائه شده است. البته باید به این نکته توجه داشت که یک رژیم مالی در چارچوب قانون منابع هیدروکربوری / نفت مفهوم می‌باید. درحقیقت اعمال قانون اساسی، قوانین مربوط به مالکیت، قراردادها، مالیاتها و حتی قوانین مدنی، کیفری، شبه جرم و ... در قانون منابع هیدروکربوری / نفت تصریح می‌شود. در تدوین یک رژیم مالی آنچه باید مورد توجه قرار گیرد نحوه تقسیم منافع حاصل از یک فعالیت در حوزه بالادستی نفت و گاز به گونه‌ای است که انگیزه لازم را برای سرمایه‌گذار با توجه به ریسک آن ایجاد نماید. بررسی قراردادهای

۱. مدیر پژوهش و عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی m-mirmoeini@iies.net

نفتی نشان می‌دهد که ابزارهای مالی مختلفی در هر یک از آنها تعیین شده که دولت‌ها می‌توانند منافع خود را تضمین نمایند.

قانون منابع هیدروکربوری / نفت نیز می‌تواند چارچوب و معیار مشخصی را برای ارزیابی قراردادها تعیین نماید و از چالش‌ها در این زمینه بکاهد. با توجه به اینکه ایران نیز بی‌نیاز از تعامل با شرکت‌های بین‌المللی نیست لازم است ابتدا قانونی تصویب گردد که منتج از قانون اساسی، قوانین قضایی، مدنی و صادرات، واردات و مالیاتی باشد. از آنجا که در سیستم قراردادی مالکیت در نقطه صادرات منتقل می‌شود و مالکیت در اختیار دولت باقی می‌ماند می‌توان از ابزارهایی چون بهره‌مالکانه، اجاره‌بها، پاداش، مالیات بر درآمد و مالیات ویژه در بخش نفت در چارچوب یک رژیم مالی استفاده کرد. در این حالت ضمن اینکه شفافیت لازم برای سرمایه‌گذار خارجی فراهم می‌آید، شرکت ملی نفت ایران نیز می‌تواند با هدف افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها و نهایتاً رعایت اصول بنگاهداری در این چارچوب به فعالیت خود ادامه دهد.

**واژه‌های کلیدی:** رانت اقتصادی، بهره‌مالکانه، قانون نفت، رژیم مالی، سیستم انحصاری، سیستم قراردادی، پاداش، اجاره‌بها، مالیات ویژه، مشارکت در تولید، امتیاز انحصاری، خرید خدمت و بیع متقابل.

## ۱. مقدمه

تجارب تاریخی نشان می‌دهد که یکی از مهمترین مشوق‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وجود منابع طبیعی فراوان است زیرا وفور این منابع مزیت نسبی را به ارمغان می‌آورد. اصولاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی زمانی صورت می‌گیرد که کشورها دارای منابع طبیعی فراوان ولی فاقد سرمایه کافی و یا دانش فنی مورد نیاز برای استخراج و فروش مواد خام هستند.

روند تاریخی قراردادهای نفتی نشان می‌دهد که وجود منابع طبیعی از یکسو و کم‌تجربگی کشورها در انعقاد قراردادها و عدم آگاهی از منافع عظیم نهفته در منابع طبیعی بویژه نفت و گاز در کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه این امکان را برای کشورهای صنعتی و توسعه یافته (به مدد حمایت از شرکت‌های بزرگ تجاری) به بهره‌برداری از این منابع، تحت قراردادهای مختلف و بعضاً غیرمنصفانه فراهم آورده است.

البته با هوشیارشدن دولت‌ها و جوامع، دیگر این امکان وجود نداشت که منابع نفت و گاز به عنوان یک ثروت ملی بطور دائمی تحت استعمار کشورهای صنعتی توسط شرکت‌های بین‌المللی مورد بهره‌برداری قرار گیرند، لذا به منظور حفظ حقوق کشورهای مالک ذخایر، روابط و قراردادهای نفتی مورد بازنگری واقع و قوانین نفت/منابع هیدروکربوری نیز با دقت بیشتری تدوین شدند.

## ۲. مفهوم رانت اقتصادی

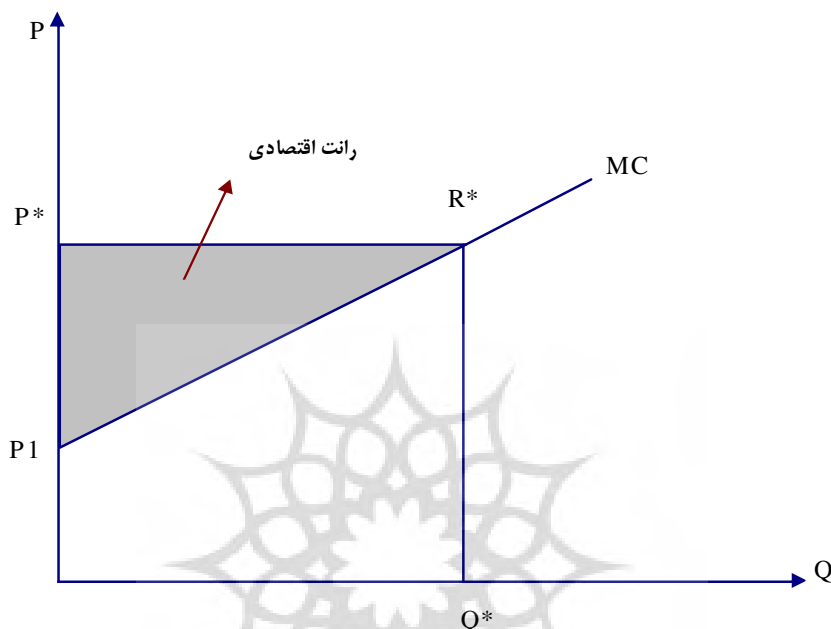
فعالیت بخش بالادستی صنعت نفت سود سرشاری را در پی دارد و تمامی شرکتها علاقه وافری به سرمایه‌گذاری در این بخش نشان می‌دهند. البته این سود سرشار میان مالک مخزن یا منبع و سرمایه‌گذار (شرکت نفتی) تقسیم می‌گردد. هر چند این صنعت بسیار سرمایه‌بر است ولی به دلیل حجم بالای تولید، هزینه‌های متوسط و نهایی تولید در سطح پایینی قرار می‌گیرد و از آنجا که سطح قیمت‌ها در بازارهای بین‌المللی بیشتر از هزینه نهایی تولید است سود هنگفتی وجود خواهد داشت که به آن رانت اقتصادی اطلاق می‌شود.

رانت اقتصادی در فعالیتهای بالادستی نفت و گاز با توجه به حق مالکیت، اجاره زمین، تجدیدنپذیر بودن (کمیایی منابع)<sup>۱</sup>، محدودیت ارائه پروانه‌های بهره‌برداری و هزینه کم استخراج منابع در مقایسه با سایر مناطق ایجاد می‌شود. البته قیمت نفت خام در بازارهای بین‌المللی به جز هزینه نهایی تولید، تابع عوامل دیگری نظیر عوامل بنیادین<sup>۲</sup> و عوامل روانی<sup>۳</sup> است که می‌تواند در میزان رانت اقتصادی مؤثر باشد. در هر حال رانت اقتصادی اختلاف قیمت اسمی با هزینه نهایی تولید است (نمودار ۱). با توجه به اینکه تولید در نقاط مختلف با هزینه‌های یکسان انجام نمی‌پذیرد می‌توان گفت که افزایش قیمت سبب خواهد شد تولید از ذخایری که در مناطق پر هزینه‌تر قرار دارند اقتصادی گردد. در این صورت رانت اقتصادی برای مناطق با هزینه‌های تولیدی کمتر و با توجه به ثابت بودن قیمت در بازار افزایش خواهد یافت. نمودار ۱ سطح زیر منحنی هزینه نهایی در فاصله قیمت‌های  $P_0$  و  $P^*$  کل رانت اقتصادی ایجاد شده را نشان می‌دهد.

در اینجا  $P$  و  $Q$  به ترتیب بیانگر قیمت و مقدار تولید و  $MC$  هزینه نهایی تولید است.

1. Scarcity of Resources  
2. Fundamentals  
3. Psychological Factors

نمودار ۱. مفهوم نظری رانت اقتصادی



بطور کلی می‌توان گفت که رانت اقتصادی، بخشی از بازده ناشی از فعالیت اقتصادی است که دولت‌ها می‌توانند بدون لطمه‌زدن به جریان تولید از پیمانکار (سرمایه‌گذار) اخذ نمایند و با این هدف به دنبال ابزاری هستند که در یک چارچوب قانونی، زیاده<sup>۱</sup> حاصل از فعالیت‌های اکتشافی و استخراجی نفت و گاز را جذب کنند؛ لذا رژیم‌های مختلف مالی در رابطه با منابع هیدروکربوری تدوین شده است. یک رژیم مالی علاوه بر اینکه درآمد را میان کشور میزبان (دارنده ذخایر) و شرکت‌های نفتی تقسیم می‌نماید بایستی نسبت به اندازه مخزن، ساختار و میزان هزینه و قیمت نفت انعطاف‌پذیر بوده و در صورت تغییر شرایط مختلف فنی مخزن و بازار نفت بتواند درآمد دولت (مالک ذخایر) را حداکثر نموده و انگیزه لازم را برای ادامه فعالیت پیمانکار با حداکثر بهره‌وری فراهم نماید.

اصولاً در برقراری یک رژیم مالی مناسب دولت‌ها اهداف بسیاری را دنبال می‌کنند

1. Premium

که مهمترین آنها عبارتست از:

- توسعه منابع و ذخایر نفتی؛
- دسترسی بیشتر به تکنولوژی و دانش روز و انتقال آن به داخل کشور؛
- بهبود مهارتهای مدیریتی و توجه به کسب سود بیشتر از فعالیتهای نفتی؛
- جذب منابع مالی مورد نیاز برای توسعه بخش نفت و گاز،
- ایجاد ارتباط بلندمدت با بازار و شرکتهای فعال در صنعت نفت و گاز جهانی.

اصولاً یک رژیم مالی مناسب باید ویژگیهای زیر را دارا باشد:

- فراهم آوردن توزیع عادلانه درآمد حاصل از فعالیتهای نفتی بین دولت صاحب نفت و شرکتهای عملیاتی متناسب با نوع و اندازه مخزن و ذخایر موجود در آن، سهم هزینههای سرمایه‌ای و عملیاتی طرفین، ریسک (فنی، مدیریتی، سیاسی، بازار و ...)، تعهدات و مسئولیت طرفین در مقابل آن؛
- امکان تأثیرگذاری بر تصمیمات سرمایه‌گذار و توزیع درآمد در شرایط مختلف؛
- هدایت سرمایه‌گذار جهت اتخاذ تصمیم مناسب برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری بهینه از ذخایر مخزن؛
- فراگیر و جامع بودن در کل مراحل اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از مخزن؛
- حساس بودن نسبت به گسترش فعالیتهای اکتشافی، توسعه‌ای و بهره‌برداری از مخازن جدید و ایجاد انگیزه‌های لازم برای توسعه فعالیت و سرمایه‌گذاری.

### ۳. قانون منابع هیدروکربوری / نفت

اصولاً رژیم مالی<sup>۱</sup> در چارچوب قانون منابع هیدروکربوری/ نفت مفهوم می‌یابد. درحقیقت اعمال قانون اساسی، قوانین مربوط به مالکیت، قراردادهای مالیاتها و حتی قوانین مدنی، کیفری، شبه جرم صادرات، واردات و ... در قانون منابع هیدروکربوری/ نفت تصریح می‌شود. در این قانون چارچوب کلی برای فعالیت در صنعت نفت به ویژه بخش بالا دستی ترسیم می‌گردد.

بنابراین در ارتباط با قانون نفت و گاز ذکر نکاتی ضروری به نظر می‌رسد.

الف. اصولاً منابع طبیعی در موادی از قانون اساسی تصریح و اعمال مالکیت آن به دولت واگذار شده است. مثلاً در قانون اساسی کویت کلیه منابع طبیعی و درآمدهای حاصل از آن، دارایی دولت محسوب می‌شود. در قانون اساسی مکزیک نیز تصریح شده که استخراج نفت و مواد هیدروکربوری به عهده کشور است و جبران خدمات سایرین می‌تواند از طریق نقدی و یا در اختیار گذاشتن بخشی از تولید صورت پذیرد.

ب. قوانین داخلی نیز در مورد شرکتهای بین‌المللی نفت و گاز که در یک کشور خاص فعالیت می‌کنند جاری است که البته در برخی موارد قوانین بین‌المللی نیز اعمال می‌شود. قوانین داخلی شامل حقوق عرفی، قوانین مدنی و قوانین اسلامی است. در مورد حقوق عرفی سیستم قضایی بایستی آن را تعبیر نموده و اعمال نماید. البته در برخی موارد حقوق عرفی هماهنگ با تحولات نیست و قوه مقننه می‌تواند قوانینی را به تصویب برساند که آن را ملغی نماید.

قوانین مدنی توسط قوه مقننه وضع می‌گردد و دادگاهها مجموعه‌ای از این اصول قانونی را اعمال می‌نمایند، البته مفهوم رویه‌های قضایی در حقوق عرفی در مورد قوانین مدنی جایی ندارد. قوه مقننه به دنبال مدون کردن تمامی قوانین و مقررات است. هرچند در جهان پیچیده امروز نمی‌توان یک قانون مدنی مشخص را به تمامی موارد تسری داد. البته باید گفت که اکثر کشورهای اسلامی قانون اسلامی (شریعت) و قانون مدنی دارند و شریعت براساس قرآن است. اسلام قراردادهای را محترم می‌شمارد به شرط اینکه با قوانین اسلامی منافات نداشته باشند.

ج. در یک قرارداد، ممکن است دو طرف برای اعمال قوانین داخلی یک حوزه قضایی خاص و یا حوزه قضایی در رابطه با آن را انتخاب نمایند. قوانین داخلی ممکن است در سطح بین‌المللی برای شرکتهایی که فعالیت‌هایی را در خارج از کشور خود دارند قابل اجرا باشد (مانند قوانین مالیاتی و ضد تراست)، البته در صنعت نفت دو قانون داخلی وجود دارد:

۱. کنوانسیون OECD در مورد مبارزه با ارتشاء مقامات دولتی در معاملات بین‌المللی؛
۲. قانون تحریم ایران و لیبی (ILSA).
- د. قوانین بین‌المللی بر معاملات بین‌المللی تأثیرگذار است که مربوط به توافقنامه‌ها و معاهدات بین‌المللی می‌باشد:
- معاهدات مربوط به مالیاتها، ECT و معاهده‌هایی که بین کشورها وجود دارد؛

## فصل نامه مطالعات اقتصاد انرژی

- توافقتنامه‌های تجاری، WTO، NAFTA، ANCOM، MERCOSUR و ...
  - کنوانسیون فروش بین‌المللی کالاها CISG<sup>1</sup>
- هـ. سرمایه‌گذاری و تأمین مالی، عملیات اکتشاف و تولید شرکتهای بین‌المللی نفت در کشورهای میزبان مثال بارزی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. این شرکتهای تعهد می‌نمایند که مخارجی را برای عملیات اکتشافی هزینه کرده و تجهیزاتی را وارد و زیرساختهایی را ایجاد کنند. البته در این میان بانک جهانی به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده سرمایه‌گذاری مطرح است.
- بنابراین بایستی قانون منابع هیدروکربوری / نفت منطبق بر قانون اساسی و قوانین داخلی تدوین گردد و سپس قوه مقننه آن را تصویب نموده و برای اجرا به دولت ابلاغ نماید. دولت می‌بایست برای اجرا، مقررات و آئین‌نامه‌هایی را تنظیم نماید. پس از آن این مقررات و آئین‌نامه‌ها می‌بایست برای اجرا به نهادی که وظیفه اعمال حاکمیت بر منابع نفت و گاز را دارد ابلاغ گردد تا قراردادها و توافقتنامه‌ها بر اساس آن منعقد و تنظیم شوند.
- اجزا قانون منابع هیدروکربوری / نفت می‌بایست:
- براساس چارچوبهای قانونی نفت باشد.
  - کوتاه ولی جامع، فراگیر، عام و مؤثر باشد.
  - ویژگی بخشی داشته و باید با قوانین عمومی دیگر همچون سرمایه‌گذاری خارجی، مالیات و محیط‌زیست که ممکن است بخش نفت را متأثر سازد نیز سازگار باشد.
- تجارب اکثر کشورها در قانون منابع هیدروکربوری / نفت نشان می‌دهد که دولت مالک نفت و گاز است. بنابراین دولت باید به دنبال روشهایی باشد که مالکیت خود را در خشکی و فلات قاره به اثبات رساند.
- یک نهاد ذی‌صلاح دولتی نیز می‌بایست سیاست بخش نفت یا انرژی را اجرا نماید. این نهاد نماینده دولت در مذاکرات، قراردادها، مقررات و سازماندهی بخش خواهد بود. این نهاد می‌بایست قوی و باتجربه باشد که شرکت ملی نفت نمونه آن است. این نهاد ذی‌صلاح می‌بایست براساس اجازه‌نامه‌ها و پروانه‌های صادر شده بر عملیات نفتی نظارت داشته باشد. پروانه‌ها و اجازه‌نامه‌ها بایستی با قانون نفت، مقررات و توافقتنامه‌های نفتی سازگار باشد.

---

1. Convention on International Sale of Goods

نهاد ذیصلاح (شرکت ملی نفت) می‌بایست یک مدل قرارداد برای سرمایه‌گذاری تهیه نماید. براساس تجارب، این مدل می‌بایست شروط قانون نفت و گاز را لحاظ نماید و اجازه دهد که جزئیات در مذاکرات تعیین گردد و حداکثر انعطاف‌پذیری را داشته باشد. همچنین نقش این نهاد در مذاکرات، نظارت، سازماندهی، واگذاری، تعلیق و فسخ قرارداد می‌بایست مشخص گردد.

مقررات که مکمل قانون نفت است نیازی به تصویب نداشته و هرچند وقت یکبار بطور رسمی منتشر می‌گردند. این مقررات یا دستورالعمل‌ها می‌بایست حداکثر انعطاف را داشته باشد و به سرعت با تغییر شرایط منطبق گردد. قانون نفت محدوده‌ای را که نهاد ذیصلاح می‌بایست مقررات و دستورالعمل‌های سازگار با قانون را تدوین نماید، مشخص خواهد کرد.

در قانون نفت می‌بایست رژیم مالی بر فعالیتهای نفتی مشخص گردد. بنابراین ابزارهای مالی را می‌توان تعریف کرد که حداکثر منافع حاصل از فعالیت‌های نفت و گاز (رانت اقتصادی) را جذب کرده بدون آنکه به منافع پیمانکار لطمه‌ای وارد آید. بنابراین اگر قانون منابع هیدروکربوری/نفت تبیین و حاکم گردد، در اینصورت:

- عدم اطمینان را کاهش می‌دهد.
- وضعیت روشن تری از رژیم مالیاتی ارائه می‌دهد که برای سرمایه‌گذار اهمیت فراوان دارد.
- مذاکرات و بحث‌های طولانی در مورد مسائل مالیاتی را محدود می‌کند.
- نرخهای مالیاتی برای تمامی سرمایه‌گذاران یکسان خواهد بود و هیچگونه تبعیضی وجود نخواهد داشت.
- از مالیات مضاعف جلوگیری می‌کند و میزان اعتبار مالیاتی شرکتهای بین‌المللی برای دولتهای آنها مشخص می‌شود.
- ثبات مالیاتی را برای یک دوره مشخص تأمین می‌کند.
- رژیم مالیاتی به‌راحتی در مورد تمامی قراردادهای نفتی قابل اعمال خواهد بود در قانون منابع هیدروکربوری بایستی نحوه دریافت حقوق گمرکی برای تجهیزات وارداتی نیز وجود داشته باشد. موارد دیگری که این قانون بایستی به آنها بپردازد اجتناب از اتلاف و اسراف منابع و مسائل مربوط به آلودگی محیط‌زیست را شامل می‌شود بطوریکه می‌بایست ارزیابی‌های زیست‌محیطی انجام شده و یا قبل از اعطای مجوز بهره‌برداری مطالعه



لازم صورت پذیرد. مسائل مربوط به داوری بین‌المللی نیز از جمله مواردی است که باید به آن اشاره شود. در نهایت باید گفت که قانون نفت می‌بایست در مورد مسائل و مباحث نفتی مقدم بر سایر قوانین باشد.

### ۴. رژیمهای مالی در صنعت نفت

در تدوین یک رژیم مالی آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد نحوه تقسیم منافع حاصل از یک فعالیت در حوزه بالادستی نفت و گاز به گونه‌ای است که انگیزه لازم برای سرمایه‌گذار با توجه به ریسک آن به وجود آید. به‌طور کلی سیستم‌های مالی در صنعت نفت در دو گروه اصلی طبقه‌بندی می‌شوند که یکی سیستم امتیاز انحصاری یا سیستم بهره‌مالکانه/ مالیات و دیگری سیستم قراردادی است که شامل قراردادهای مشارکت در تولید و قراردادهای خدمت می‌شود.

#### ۴-۱. سیستم امتیاز انحصاری<sup>۱</sup>

سیستم امتیاز انحصاری همان سیستم بهره‌مالکانه/ مالیات<sup>۲</sup> است. در این سیستم، طبق قوانین حاکم بر کشور به‌خصوص قوانین و مقررات حاکم بر بخش نفت، دولت امتیاز اکتشاف و تولید نفت در منطقه مشخصی را در دوره زمانی معین و شرایط مشخص به شرکت عملیاتی واگذار می‌نماید. در مقابل شرکت عملیاتی تعهد می‌کند که پس از سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از ذخایر نفت، مبالغی تحت عنوان بهره‌مالکانه و مالیات به دولت پرداخت نماید. این سیستم در کشورهایی از جمله انگلستان، دانمارک، هلند، جزایر فارور و آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این سیستم پیمانکار (شرکت عملیاتی) در صورت اکتشاف میدان نفتی در مقیاس تجاری، مالک نفت در دوره قرارداد بوده و تنها موظف به پرداخت حقوق دولتی می‌باشد.

قرارداد امتیاز انحصاری نخستین شکل از قراردادهای نفتی بود و «امتیاز نامه» سندی بود که بموجب آن دولت با استفاده از حاکمیت خود حقوقی را برای صاحب امتیاز در نظر می‌گرفت و به او اعطا می‌نمود. این امر سبب می‌گردد که تغییر و تبدیل شرایط امتیاز نیز عمده‌تاً تابع اراده دولت اعطاء‌کننده امتیاز باشد.

در عمر نسبتاً طولانی صنعت نفت در ابتدائی‌ترین شیوه همکاری فیما بین کشورهای

1. Concessionary System

2. Royalty /Tax

صاحب نفت و کمپانی‌های نفتی «قرارداد امتیاز انحصاری» بوده است. این نوع قراردادها که به «امتیاز نامه» نیز مشهورند در مقایسه با قراردادهای بعدی بسیار ساده و بدور از اصطلاحات و کلمات فنی و دقیق بوده و بسیار مختصر نگاشته می‌شد. برای مثال اگر قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳ (مطابق ۱۹۵۴) را با امتیازنامه داری مقایسه کنیم حجم آن ۲۰ برابر امتیازنامه داری در ۱۹۰۱ است، اگر همین قرارداد با قرارداد جایگزین امتیازنامه داری در ۱۹۳۳ مقایسه شود حجم آن چهار برابر و نیم قرارداد مذکور خواهد بود.

اعطای امتیاز نیز عملی است که در چارچوب حقوق اداری صورت می‌گیرد مثل امتیاز خدمات عمومی، امور عمومی، معدنی و نفتی. بر این اساس بموجب اصول حقوقی دست دولت در اتخاذ تصمیم یکطرفه نسبت به آن باز است و شاید علت اینکه در موارد متعددی دولت ایران این امتیازات را بطور یکطرفه بدلیل قصور طرف در انجام تعهدات و یا مغایرت با قوانین جاری کشور لغو نموده بر همین اساس باشد.

وجه اشتراک قراردادهای امتیاز انحصاری عبارت است از:

۱. مدت زمان طولانی اعتبار امتیاز (از ۶۰ تا ۷۵ سال)؛
۲. وسعت ناحیه امتیاز؛
۳. ثابت بودن مبلغ حق الامتیاز؛
۴. انحصاری بودن حیطه اختیارات دارنده امتیاز؛
۵. معافیت دارنده امتیاز از قوانین داخلی کشور.

#### ۴-۲. سیستمهای قراردادی<sup>۱</sup>

در سیستمهای قراردادی بر خلاف امتیازی، موضوع اکتشاف و بهره‌برداری از ذخایر نفتی در منطقه‌ای معین و تعهدات طرفین (دولت و پیمانکار) طبق قرارداد مشخصی بین کارفرما و شرکت عملیاتی منعقد می‌گردد. این نوع قراردادها حاوی شرایط مشخصی از جمله دوره قرارداد، نحوه بازپرداخت هزینه‌ها، پاداش پیمانکار و ... می‌باشد. از این جهت در بخش نفت قراردادهای مختلفی تعریف و تبیین شده‌اند که در اینجا به تشریح آن می‌پردازیم.

#### ۴-۲-۱. قرارداد مشارکت در تولید<sup>۲</sup>

اندونزی برای اولین بار در سال ۱۹۶۶ میلادی این قرارداد را معرفی کرد. بطور کلی در این

1. Contractual System  
2. Production Sharing Contracts-PSCs

## فصل نامه مطالعات اقتصاد انرژی

نوع قرارداد کلیه هزینه‌ها بعهده شرکت عملیاتی است و در صورتیکه عملیات اکتشافی موفقیت‌آمیز و میزان ذخیره کشف شده توجیه اقتصادی داشته باشد شرکت عملیاتی می‌تواند این هزینه‌ها را از طریق اختصاص بخشی از نفت تولید شده پوشش دهد و تولید باقی مانده میان دولت (کارفرما) و شرکت عملیاتی تقسیم می‌گردد.

قراردادهای مشارکت به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف. قرارداد مشارکت نوع پرو: در این نوع قرارداد تولید ناخالص قبل از کسر هزینه‌ها بین دولت و شرکت عملیاتی تقسیم می‌گردد.

ب. قرارداد مشارکت نوع اندونزی و مصر: در این نوع قرارداد پس از کسر هزینه‌های پیمانکار (هزینه‌های تولید، اکتشاف و توسعه و بهره مالکانه) از درآمد ناخالص پروژه، باقی مانده بین دولت و پیمانکار (شرکت عملیاتی) تقسیم می‌گردد. در قرارداد مشارکت نوع اندونزی حداکثر ۴۰ درصد از حجم نفت تولیدی جهت پرداخت هزینه‌های پروژه در نظر گرفته می‌شود که به آن نفت هزینه‌ای<sup>۱</sup> می‌گویند و حداقل ۶۰ درصد حجم نفت تولیدی که به آن نفت منفعتی<sup>۲</sup> می‌گویند جهت تسهیم بین دولت میزبان و پیمانکاران نفتی تخصیص داده می‌شود.

تسهیم نفت منفعتی به روشهای متعددی در کشورهای مختلف انجام می‌شود از جمله تسهیم بصورت درصد ثابت، مقیاس پله‌ای کل تولید میدان یا منطقه قرارداد، مقیاس پله‌ای تولید تجمعی، مقیاس پله‌ای تولید روزانه و تجمعی، مقیاس پله‌ای و فاکتور<sup>۳</sup> R، مقیاس پله‌ای، فاکتور R و سطح تولید میدان، مقیاس پله‌ای نرخ بازگشت سرمایه، مقیاس پله‌ای و زمان بازگشت سرمایه و در نهایت مقیاس پله‌ای تولید و قیمت. معمولاً در این نوع قراردادها، شرکت عملیاتی موظف به پرداخت مالیات بر درآمد است.

نفت هزینه‌ای نیز به روشهای مختلف محاسبه می‌شود که عبارتند از: بعنوان درصدی ثابت از تولید، براساس مقیاس پله‌ای و سطح تولید، مقیاس پله‌ای و سطح قیمتها، بدون محدودیت و بر مبنای هزینه‌های استهلاک، بصورت درصد ثابت و محاسبه استهلاک.

نکته قابل ذکر این است که در محاسبه نفت هزینه‌ای و نفت منفعتی پارامترهای

1. Cost Oil

2. Profit Oil

۳. فاکتور R از تقسیم درآمد انباشته شده بر کل هزینه‌های انباشته شده به دست می‌آید که می‌تواند در مراحل مختلف پروژه مقادیر متفاوتی را اختیار نماید و لذا بر اساس مقدار R نرخ مشخص خواهد شد. ( $1 \leq R \leq 1$ )

دیگری نیز در برخی کشورها مد نظر قرار می‌گیرد. مثلاً در کشور آنگولا در قیمت‌های نفت بالای ۳۲ دلار در بشکه، دولت ۱۰۰ درصد نفت منفعتی را دریافت می‌نماید و یا در مالزی ۷۰ درصد اضافه درآمد حاصل از افزایش قیمت هر بشکه نفت بیش از ۲۵ دلار به دولت تعلق می‌گیرد یا در فیلیپین در صورت وجود مشارکت دولت در حد ۳۰٪ می‌توان ۷/۵ درصد از تولید خالص پروژه را قبل از تقسیم پرداخت نمود و یا در اندونزی ۱۵٪ از تولیدات ابتدا بعنوان سهمیه نفت منفعتی کنار گذاشته شده و بین دولت و پیمانکار تقسیم می‌گردد و سپس نفت هزینه‌ای از باقیمانده درآمد کسر و تأمین می‌گردد.

در این نوع قراردادها سه مسئله حائز اهمیت است:

۱. سرمایه‌گذاری: معمولاً در این نوع قراردادها هزینه‌های مربوط به تفحص و اکتشاف بر عهده شرکت نفتی خارجی قرار می‌گیرد و چنانچه منجر به کشف نفت شود آنهم به گونه‌ای که شروع عملیات استخراج، تولید و بهره‌برداری به لحاظ تجاری مقرون به صرفه باشد، سرمایه‌گذاری و تأمین وجوه لازم برای انجام این عملیات توسط شرکت طرف قرارداد به عمل می‌آید.

۲. اداره فنی: در این نوع قراردادها شیوه‌های مختلفی از این حیث مورد عمل می‌باشد. در پاره‌ای از کشورها اداره فنی عملیات کاملاً بر عهده شریک خارجی است. ولی در قراردادهای مشارکت برخی از کشورها همچون ایران اگر چه عملیات اکتشاف با ابتکار و مسئولیت شریک خارجی است ولی عملیات توسعه و بهره‌برداری مطابق شرایط قرارداد و برنامه‌هایی که توسط طرفین قرارداد تنظیم می‌شود به طور مشترک صورت خواهد گرفت.

۳. بازاریابی: مهم‌ترین و حساسترین مرحله اجرای قراردادها را تشکیل می‌دهد که می‌تواند در قراردادهای تعیین گردد. علی‌الاصول هر شریک متعهد است که سهم خود را براساس قرارداد مشارکت برداشت نموده و خود بفروش برساند، معذکک در عمل بدین جهت که برخی از کشورها بازار کافی برای فروش نفت خود و یا توان بازاریابی را ندارند شریک خارجی در بازاریابی سهم کشور میزبان نیز مجاز شناخته شده است.

#### ۴-۲-۲. قرارداد خدمت<sup>۱</sup>

در مجموعه قراردادهای پیمانکاری و خدمت، مالکیت تام منابع در اختیار دولت است و

## فصل نامه مطالعات اقتصاد انرژی

پیمانکار فقط سهمی از منافع و فروش را بصورت نقد دریافت می‌نماید. در این نوع قرارداد دولت میزبان (کارفرما) متعهد می‌گردد در ازاء انجام عملیات اکتشاف و توسعه میادین نفتی در محدوده مکانی و زمانی مشخص و تأمین مالی آنها توسط شرکت عملیاتی، علاوه بر بازپرداخت هزینه‌های اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری، حق الزحمه‌ای را نیز به پیمانکار پرداخت نماید. در برخی از قراردادهای خدمت، پیمانکار موظف به پرداخت مالیات بر درآمد نیز می‌باشد.

پیش‌بینی موضوعات مهمی در بندهای قراردادهای خدمت از جمله نحوه محاسبه هزینه‌ها و بازپرداخت آنها، انتقال تکنولوژی، مسئولیت در قبال خسارات و بیمه، نحوه تنظیم و ارسال گزارش‌های فنی پیشرفت پروژه، حفظ محیط‌زیست، نحوه فروش نفت و گاز استحصال، وضعیت غیرمترقبه (فورس ماژور)، نحوه پرداخت حق الزحمه و حسابرسی پیمانکار و بالاخره قانون حاکم و حل و فصل اختلافات تأمین‌کننده منافع طرفین در اجرای پروژه خواهد بود.

قراردادهای خدمت به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: قرارداد خدمت بدون ریسک، قرارداد خدمت باریسک.

### الف: قرارداد خدمت بدون ریسک<sup>۱</sup>

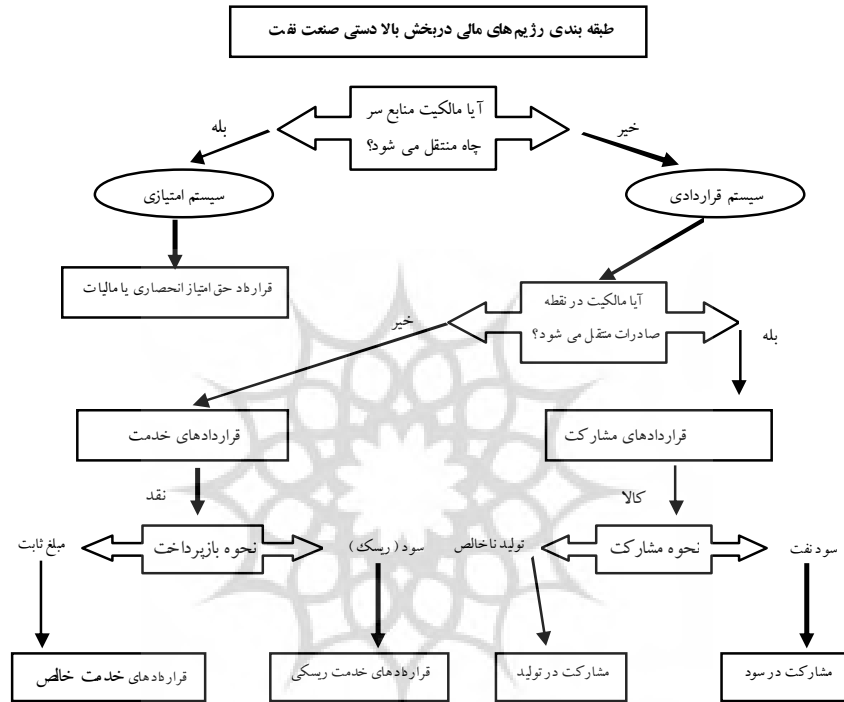
این نوع از قراردادها عمدتاً در بخش پیمانکاران صنعت نفت مورد استفاده قرار می‌گیرد، در این نوع قرارداد پیمانکار برای انجام خدمات خود مستحق دریافت دستمزد است هر چند برای جذاب کردن آن پاداش‌هایی نیز از سوی دولت میزبان ارائه می‌گردد. ریسک اکتشاف در این نوع قرارداد به عهده پیمانکار است.

در اواخر سال ۱۹۵۰ آرژانتین مجموعه قراردادهای خدمت بدون ریسک را با شرکتهای نفتی شل، ماراتون، اسو، کرمک گی<sup>۲</sup> و آموکو<sup>۳</sup> امضا نمود. قراردادهای بیع متقابل ایران را می‌توان در این گروه طبقه‌بندی کرد. در این قراردادها، بازپرداخت کلیه هزینه‌ها به‌خصوص هزینه‌های اکتشاف به‌عهده دولت میزبان است و از این جهت پیمانکار هیچگونه ریسکی را متقبل نمی‌شود و کلیه هزینه‌های انجام شده همراه با بهره متعلقه به

---

1. Pure Service Agreement  
2. Maraton  
3. Esso  
4. Keer Mcgee  
5. Amoco

پیمانکار بازپرداخت می شود.  
 دیاگرام زیر چگونگی طبقه بندی رژیم های مالی در صنعت نفت را به خوبی نشان می دهد.



ب. قرارداد خدمت با ریسک<sup>۱</sup>

متداولترین نوع قرارداد خدمت در سطح جهان این گزینه قراردادی است. در این قرارداد پیمانکار کلیه هزینه های اکتشافی و توسعه منابع هیدروکربوری را متقبل می شود، در مقابل اگر فعالیتهای اکتشافی موفقیت آمیز بود کشور میزبان کلیه هزینه های سرمایه ای پیمانکار را بازپرداخت نموده و بخشی از درآمدهای آتی پروژه را نیز به عنوان دستمزد به پیمانکار واگذار می نماید.

این گزینه قراردادی تشابه بسیاری به قراردادهای نوع مشارکت در تولید دارند. زیرا

1. Risk Service Agreement

در این گونه قراردادهای بخشی از درآمدها و یا سود آتی پروژه در مقایسه با بخشی از سهم تولیدات در قراردادهای مشارکت در تولید به پیمانکاران واگذار می‌شود. از جمله قراردادهای خدمت همراه با ریسک می‌توان به قراردادهای خدمت فیلپین و اکوادور اشاره کرد. در برخی از قراردادهای خدمت با ریسک، مجموعه مخاطرات تجاری در رابطه با اجرای پروژه‌های نفت و گاز میان دولت طرف قرارداد و پیمانکار تقسیم می‌شود. از جمله این قراردادها می‌توان به قرارداد کویت تحت عنوان توافقنامه خدمت عملیاتی<sup>۱</sup> اشاره کرد قابل ذکر است که بیع متقابل نیز در زمره قراردادهای خدمت طبقه‌بندی می‌شود.

### ۵. ابزارهای یک رژیم مالی

صنعت نفت در اقتصاد بین الملل بخصوص در گستره ثروت و قدرت از جایگاه ویژه و شگرفی برخوردار است. نفت و گاز در اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان اعم از صادرکننده و یا واردکننده مواد سوختی نقشی غالب و تعیین کننده دارند و به همین دلیل کشورهای دارنده ذخایر با حساسیت بسیار با این پدیده برخورد می‌نمایند.

اگرچه مالک این ذخایر هیچگونه نظارت و کنترلی بر مقدار، کیفیت و یا خصوصیات این هدایای طبیعی و خدادادی ندارد، لیکن با برنامه‌ریزی دقیق و تدوین قراردادهای بین‌المللی متعدد و متنوع سعی بر این دارد که حداکثر منافع اقتصادی ناشی از این فعالیت را جذب نماید تا بتواند آن را در خدمت رشد و توسعه کشور به کار بندد.

اصولاً قراردادهای مربوط به اجرای پروژه‌های بالادستی صنعت نفت از حساسیت بیشتری برخوردارند زیرا:

الف. اکثر قراردادهای نفتی در جهان، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، طرفین قرارداد را دولتها (و یا شرکتهای دولتی) و شرکتهای بین‌المللی یا فراملیتی تشکیل می‌دهند.

ب. میزان سرمایه‌گذاری در تمام قراردادهای نفتی هنگفت بوده و نیازمند اجرای عملیات فنی و مهندسی پیچیده و حساسی است تا امکان استفاده بهینه از سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری بیشینه از منابع میسر گردد

د. دوره زمانی قراردادهای نفتی بنابر طبیعت عملیات طولانی هستند

بنابراین فرآیند اجرای قراردادهای نفتی، خصوصاً مرحله پیش از قرارداد باید دقت نظر و احتیاط زیادی از جانب دو طرف معامله (کارفرما و پیمانکار) یا (دولت میزبان و

سرمایه‌گذار خارجی) طی گردد همانطور که اشاره گردید مهمترین ویژگیهای یک رژیم مالی علاوه بر توزیع عادلانه منافع حاصل از سرمایه‌گذاری (عملیات نفتی) بین دولت صاحب ذخایر و شرکت عملیاتی (پیمانکار)، امکان تأثیرگذاری بر تصمیمات پیمانکار از طریق ایجاد انگیزه‌های لازم در جهت بهره‌برداری بهینه از ذخایر موجود توسعه منابع و ذخایر نفتی، دسترسی به تکنولوژی و دانش روز، جذب منابع مالی لازم و... است. دولتها با تعریف و استفاده از ابزارهای مالی قادر به تقسیم منافع حاصل از فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز هستند. مهمترین ابزارهای مالی عبارتند از:

### ۵-۱. پاداشها<sup>۱</sup>

پاداشها بطور معمول پرداختهای یکباره و یکجایی هستند که به دولتهای میزبان تعلق می‌گیرد. این پاداشها بر دو نوعند:

الف. پاداشی که در مرحله امضای قرارداد معمولاً پس از امضاء قرارداد یا واگذاری منطقه مورد رهن و یا مجوز فعالیت<sup>۲</sup> به دولتها پرداخت می‌گردد. نحوه محاسبه میزان این پاداشها از سه طریق مناقصه (با هدف تخصیص بهینه منطقه قرارداد و واگذاری آن به پیمانکار پیشنهاددهنده به بالاترین مبلغ پاداش)، چانه‌زنی (با هدف تأمین هزینه‌های چانه‌زنی دولت و تأمین درآمدی متعارف از منطقه مورد نظر در صورت غیراقتصادی بودن در عملیات حفاری بعدی - چاههای خشک) و قانونگذاری (با هدف جلوگیری از حدس و گمانه‌زنی<sup>۳</sup> ناحیه‌های مورد نظر توسط پیمانکاران نفتی و سرمایه‌گذاران) انجام می‌شود.

ب. پاداش در مرحله تولید: این پاداش ممکن است در هر یک از مراحل پس از عملیات اکتشافی و سپس تجاری بودن منطقه قرارداد، در مرحله تقاضا برای یک منطقه و یا تقاضا برای دریافت مجوز توسعه، پس از شروع تولید از میدان، پس از دستیابی به حجم مشخصی از تولید مانند اولین تولید معادل ۱۰ هزار یا ۵۰ هزار یا ۱۰۰ هزار بشکه در روز و یا اینکه پس از دستیابی به حجم مشخص شده از تولید جمعی مثلاً تولید جمعی برابر ۵۰ میلیون بشکه برقرار گردد. اینگونه پاداشها در قراردادهای تسهیم در تولید و یا مشارکت متداول است و معمولاً رقم آن بصورت صعودی با سطح تولید میدان یا حوزه نفتی تغییر می‌کند.

1. Bonus  
2. License  
3. Speculation



## ۵-۲. اجاره‌بها<sup>۱</sup>

اجاره‌بها شامل پرداخت‌های سالانه پیمانکاران به کشورهای میزبان است که در مرحله عقد قرارداد توافق می‌گردد. رقم اجاره‌بها معمولاً به‌روش چانه‌زنی، توسط قانونگذار یا بصورت درصدی از مبلغ مناقصه تعیین می‌شود و بصورت یکجا و مبلغ مشخص، مقدار ثابت برای هر هکتار منطقه قرارداد و یا برحسب رقم صعودی طی زمان محاسبه می‌گردد. مثلاً در کامبوج جدول اجاره‌بها بدین صورت است که مبلغ ۱۰ دلار در هر کیلومتر مربع در زمان اکتشاف در مرحله اول، ۲۰ دلار در هر کیلومتر مربع در زمان اکتشاف بعدی و مبلغ ۵۰۰ دلار در هر کیلومتر مربع در مراحل توسعه و تولید پرداخت می‌گردد.

اهداف اصلی از دریافت اجاره‌بها توسط دولت‌های میزبان عبارت است از:  
الف. تأمین درآمد مورد نیاز دولت‌ها در اداره بخش نفت و گاز بویژه در مناطقی که هنوز به مرحله تولید نرسیده است.

ب. ترغیب به استرداد و واگذاری داوطلبانه مناطق قرارداد توسط پیمانکاران پس از اتمام عملیات اکتشاف و توسعه  
دریافت اجاره‌بها در کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی، آمریکای لاتین، خاورمیانه و آفریقایی در قالب قراردادهای امتیازی، تسهیم در تولید و مشارکت متداول است.

## ۵-۳. بهره مالکانه

پرداخت بهره مالکانه هزاران سال است که تجربه شده و در حقیقت حداقل پرداخت به صاحب منبع (دولت یا اشخاص) برای استخراج منابع تهی شدنی است. پرداخت بهره مالکانه براساس واحد تولید، شکل سنتی آن است. برخی اعتقاد دارند که این روش به راحتی قابل کنترل بوده و تنها وظیفه دولت‌ها کنترل میزان فیزیکی تولید است. در این حالت درآمد دولت تنها تابعی از میزان تولید بوده و هیچگونه حساسیتی به قیمت ندارد.

ولی امروزه دریافت بهره مالکانه براساس ارزش بسیار رایج است زیرا نسبت به تغییرات قیمت و نرخ تورم حساس است. بهره مالکانه علی‌رغم مزایایی که دارد معایبی را نیز داراست که حساس نبودن نرخ آن به میزان هزینه‌ها و سود از آن جمله است. البته بهره مالکانه از دید سرمایه‌گذار جریان نقدی پروژه را کاهش داده و بالطبع ارزش حال پروژه نیز کاهش می‌یابد که یکی دیگر از معایب آن به شمار می‌رود. نرخهای بسیار بالای

---

1. Rental

بهره‌مالکانه سبب می‌گردد تا فعالیت تولیدی حوزه‌ها نیز تحت تأثیر قرار گرفته و ممکن است موجب بهره برداری سریع تر از منبع گردد بطور کلی روشهای متعددی برای محاسبه بهره‌مالکانه ابداع شده است که در اینجا به بررسی آن می‌پردازیم:

#### الف. پرداخت برحسب تولید

این روش قدیمی‌ترین روش محاسبه بهره‌مالکانه است که براساس هر تن یا بشکه نفت تولید شده محاسبه و پرداخت می‌گردد و میزان آن متأثر از میزان فیزیکی تولید است.

#### ب. پرداخت بر حسب درصدی از تولیدات

- پرداخت بر حسب مقیاس پله‌ای از حجم تولید از میدان یا هر چاه؛
- پرداخت بر حسب مقیاس پله‌ای از حجم تجمعی تولیدات؛
- پرداخت بر حسب مقیاس پله‌ای از حجم تولید هر چاه و قیمت؛
- پرداخت بر حسب زمان بازگشت سرمایه؛
- پرداخت بر حسب مقیاس پله‌ای و بنا بر سپری شدن زمان؛
- پرداخت بر حسب مقیاس پله‌ای و چگالی نفت خام یا درجه API.

#### ج. روش جایگزینی بهره مالکانه<sup>۲</sup>

در برخی از کشورها پرداخت بهره‌مالکانه جایگزین مالیات می‌شود بدین ترتیب که پرداخت بهره‌مالکانه به‌عنوان پیش‌پرداخت یا علی‌الحساب مالیات محاسبه می‌شود. در حقیقت زمانی که مالیات بردرآمد شرکت محاسبه گردید بهره‌مالکانه از میزان مالیات وضع شده کسر می‌گردد و باقیمانده بدهی مالیات بردرآمد شرکت یا پیمانکار خواهد بود.

#### د. محاسبه بهره مالکانه بر حسب درآمد ناخالص تولیدات

با کم کردن حجم نفت و گاز سوزانده شده در میدان، گاز تزریقی به مخازن، نفت و گاز مصرف شده در عملیات، حجم آب و یا رسوبات همراه نفت و گاز، حجم نفت و گاز از بین رفته از کل حجم نفت یا گاز ناخالص میدان از کل تولید می‌توان به حجم خالص تولید دست یافت، ولی در این حالت درآمد ناخالص تولیدات برآورد و مبنای محاسبه بهره‌مالکانه قرار می‌گیرد.

1. Pay out  
2. Elapsed Time  
3. Royalty Offsets

#### ۵-۴. محاسبه بهره مالکانه بر حسب برآوردهای اقتصادی

برآورد ارزش منصفانه بازار نفت یا گاز بر حسب میانگین قیمت در سطح ملی یا منطقه‌ای در مبادی صدور یا ورود نفت صورت می‌پذیرد. قابل ذکر است که مهمترین و معمول‌ترین شیوه محاسبه بهره مالکانه در بسیاری از کشورها پرداخت بر حسب درصدی از تولیدات (بندب) است.

بهره مالکانه معمولاً بنا بر انتخاب دولت میزبان بصورت حجمی و یا معادل ارزش آن براساس قیمت توافق شده بصورت ماهیانه (یک‌ماه پس از تولید) پرداخت می‌شود. مهمترین ویژگی بهره مالکانه، پرداخت آن برحسب میزان تولید یا درآمد ناخالص پروژه بدون توجه به هزینه‌ها و ریسک شرکت عملیاتی بوده که از نظر اقتصادی موجب کاهش نقدینگی شرکت عملیاتی (پیمانکار) شده و تأثیر منفی بر ارزش خالص حال و همچنین نقدینگی پروژه دارد. بنابراین شرکت عملیاتی برای جبران کاهش نقدینگی و پوشش هزینه‌ها و ریسک، در سالهای اولیه دوره اقدام به بهره‌برداری بیشتر از میدان می‌نماید و یا اینکه قبل از بهره‌برداری کامل تولید را متوقف می‌نماید. در برخی اوقات محاسبه بهره مالکانه موجب غیراقتصادی شدن پروژه و عدم توسعه آن می‌گردد. هرچند در برخی از روشهای محاسبه بهره مالکانه با اعمال مکانیسمهایی (مثل مقیاس پله‌ای و ...) سعی در کنترل اثرات منفی ناشی از بکارگیری این ابزار کرده‌اند، لیکن این ابزار از دید شرکتهای عملیاتی همچنان به عنوان عامل محدودکننده شناخته می‌شود. در سالهای اخیر برخی از کشورها برای تشویق سرمایه‌گذاری در میادینی که به دلایل فنی و جغرافیایی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند اقدام به حذف یا کاهش نرخ بهره مالکانه از قراردادهای منعقد شده خود نموده‌اند. به عنوان مثال کشور نروژ جهت تشویق سرمایه‌گذاری در میادین دوردست خود در دریای شمال در قراردادهایی که بعد از سال ۱۹۸۶ میلادی منعقد شده بهره مالکانه را حذف نموده است. از مهمترین مزایای روش اخذ بهره مالکانه، دسترسی سریع دولت به درآمد، پایدار شدن درآمد دولت و انتقال ریسک سرمایه‌گذاری به شرکت عملیاتی می‌باشد.

#### ۵-۵. مالیات بر درآمد شرکت<sup>۱</sup>

یکی از مهمترین پرداختی‌های شرکتهای عملیاتی به دولتهای صاحب نفت پرداخت مالیات

1. Corporate Income Tax

بر درآمد خالص شرکت می‌باشد. معمولاً نرخ مالیات بر درآمد شرکتها و ارقام هزینه‌های قابل قبول در محاسبه درآمد خالص شرکتها، در قوانین موضوعه کشور میزبان مشخص می‌گردد. بطور معمول اقلامی چون بهره مالکانه، اجاره‌بها و سایر اقلام پرداختی به دولت، هزینه‌های عملیاتی، استهلاک، بهره پرداختی وامها، زیانهای انباشته شده و کسورات فرعی از درآمد ناخالص شرکت کسر شده و بر مبنای درآمد خالص بدست آمده مالیات محاسبه می‌شود. نحوه محاسبه و به حساب گرفتن هر یک از کسورات مجاز در محاسبه درآمد خالص شرکت در قانون مالیاتها و قرارداد منعقدہ تعیین می‌گردد.<sup>۱</sup> معمولاً محاسبه مالیات بر درآمد شرکتها پس از ادغام کلیه فعالیتهای شرکت در کشور محاسبه می‌گردد لیکن در برخی کشورها مثل پاکستان سطح ادغام محدود به فعالیتهای بالادستی صنعت نفت و گاز یا در انگلیس محدود به کلیه فعالیتهای بنگاه در فلات قاره و یا در تونس و اندونزی سطح ادغام محدود به منطقه خاص مورد قرارداد می‌باشد.

#### ۵-۶. تسهیم تولید<sup>۲</sup>

یکی دیگر از ابزارهای رژیم مالی برای کسب بخشی از رانت ایجادشده از ذخایر نفت و گاز تسهیم تولید یا سود می‌باشد. در این روش دولت بخشی از تولید (درآمد) یا سود حاصل از پروژه را دریافت می‌نماید. این روش اولین بار در سال ۱۹۶۷ در قراردادهای نفتی اندونزی بکارگرفته شده که به دلیل فراگیری ترتیبات ناشی از اجرای این روش در سیستمهای قراردادی در صنعت نفت و گاز و گستردگی و تنوع بکارگیری این ابزار در قراردادهای نفتی این گروه به عنوان قراردادهای مشارکت در تولید/سود شناخته می‌شود هرچند ممکن است در این قراردادها علاوه بر این ابزار از برخی دیگر از ابزارهای رژیم مالی نیز استفاده شود. به‌عنوان نمونه در قراردادهای مشارکت در تولید ایران در قبل از انقلاب اسلامی علاوه بر بکارگیری ابزار مشارکت در تولید، ابزارهای مالیات بر درآمد و بهره مالکانه نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

۱. یکی از اقلام قابل کسر، زیانهای انباشته می‌باشد که برخی کشورها اجازه کسر آن از درآمد ناخالص بصورت یکجا یا طی چند سال (۷-۳ سال) و حتی برخی اجازه کسر آن از درآمد ناخالص در سالهای گذشته و بازپرداخت مالیاتهای پرداخت شده قبلی را می‌دهند. در برخی از کشورها مجوز برداشت درصدی از درآمد ناخالص تحت عنوان کاهش منابع طبیعی (Depletion Allowance) جهت هزینه در فعالیتهای اکتشافی یا بازیافت ثانویه و ثلثیه داده می‌شود.

2. Production Sharing

## ۵-۷. مشارکت دولت<sup>۱</sup>

یکی دیگر از ابزارهای رژیمهای مالی برای دریافت بخشی از سود حاصل از فعالیتهای نفتی، مشارکت دولتها در طرحهای نفتی است. این مشارکت در قالب قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک به دو صورت تشکیل شرکتهای سهامی مشترک<sup>۲</sup> و توافقنامه‌های عملیاتی مشترک<sup>۳</sup> (JOA) انجام می‌شود.

### الف. تشکیل شرکتهای سهامی مشترک:

در این روش سهامداران (دولت و شرکتهای نفتی) اقدام به تشکیل یک شرکت سهامی با شخصیت حقوقی مستقل نموده و این شرکت مجری قرارداد بوده و با توجه به قرارداد و به نسبت سهم خود اقدام به تشکیل هیئت مدیره نموده و شرکت توسط آن اداره می‌گردد. در این روش درآمد سهامداران شامل سود سهام و بازگشت سرمایه خواهد بود.

### ب. توافقنامه‌های عملیاتی مشترک

در این روش طرفین قرارداد بصورت شخصیتهای مستقل باقی مانده و برحسب حق‌السهم<sup>۴</sup> خود صاحب رأی می‌باشند، کلیه تصمیمات به عهده کمیته اجرایی<sup>۵</sup> بوده و بر مبنای حق‌السهم و درخواست هزینه هر پروژه، تأمین مالی صورت می‌گیرد. در این روش مدیریت اجرایی پروژه با یکی از مشارکت‌کنندگان تحت عنوان پیمانکار اجرایی<sup>۶</sup> و بر حسب موافقتنامه امضاء شده مشخص می‌گردد.

در این نوع از توافقنامه‌ها کلیه درآمدهای ناخالص پروژه پس از کسر هزینه‌ها نسبت به حق‌السهم بین مشارکت‌کنندگان تقسیم می‌شود و هرکدام از مشارکت‌کنندگان بصورت یک شخصیت حقوقی و مالیاتی مستقل باقی می‌ماند. یکی از شروط عمده در توافقنامه‌های عملیاتی مشترک (JOA) که بین دولتهای میزبان و پیمانکاران نفتی، شرط منافع انتقالی<sup>۷</sup> می‌باشد در این شرط دولت میزبان بخشی از سهم مالکیت خود را در ازای انجام برخی تعهدات به پیمانکاران نفتی واگذار می‌نماید. مثلاً در ازای قبول ۱۰۰٪ ریسک

1. Government Participation  
2. Joint Stock Company  
3. Joint Operating Agreements  
4. Working Interest  
5. Operating Committee  
6. Operator  
7. Carried Interest

و تعهد پرداخت کلیه هزینه‌های اکتشافی در قرارداد و در صورت تجاری بودن میدان و تعهد ۵۰٪ هزینه در مرحله توسعه، پیمانکار ۵۰٪ از تولید ناخالص میدان را به خود اختصاص می‌دهد. معمولاً منافع انتقالی بصورت درصد ثابت یا مقیاس پله‌ای قید می‌گردد. بطور مثال این درصد ثابت در اندونزی ۱۰٪، ژئیر ۲۰٪، مراکش ۳۵٪، هلند ۴۰٪، چین و فجیره ۵۱٪ و در ابوظبی ۶۰٪ است. در مورد مقیاس پله‌ای مثلاً در کشور دانمارک مشارکت ۲۰٪ تا سطح تولید ۵۰ هزار بشکه در روز، ۳۰٪ تا سطح تولید ۱۰۰ هزار بشکه در روز و ۴۰٪ در مورد تولید بیش از ۱۰۰ هزار بشکه در روز تعیین شده است. البته در برخی کشورها شروط ویژه‌ای در قراردادها ذکر می‌گردد، مثلاً در نروژ سهم دولت از شروع قرارداد ۳۰٪ تعیین می‌شود یا در پاکستان سهم مشارکت اولیه ۵ درصد و در صورت تجاری شناخته شدن میدان به ۴۰ درصد افزایش می‌یابد.

در مورد نحوه پرداخت سهم مشارکتها روشهای مختلفی وجود دارد اما در اکثر موارد کشورهای میزبان هیچگونه هزینه‌ای را تا قبل از مشارکت (اجرای تعهدات پیمانکار در مورد فعالیتهای اکتشافی و تجاری بودن میدان) متقبل نمی‌شوند اما پس از آن برخی به نسبت سهام خود هزینه‌های اکتشافی را متقبل می‌شوند (در هلند این هزینه‌ها با بهره متعلقه پرداخت می‌شود). در مورد هزینه‌های توسعه‌ای اکثر کشورها سهم هزینه‌های توسعه‌ای خود را پرداخت می‌نمایند.

## ۵-۸. مالیات ویژه<sup>۱</sup>

یکی دیگر از ابزارهای رژیم مالی پرداخت مالیاتهای ویژه به دولت توسط شرکتهای عملیاتی می‌باشد. این مالیاتها علاوه بر مالیات عمومی که معمولاً همه بنگاههای اقتصادی از جمله شرکتهای نفتی ملزم به پرداخت آن می‌باشند، وضع می‌گردد. هدف این نوع مالیاتها، دریافت بخشی از رانت ایجادشده در فعالیتهای نفتی است. این نوع مالیات مشابه مالیات بر درآمد محاسبه می‌شود با این تفاوت که نرخ مشخصی برای بازگشت سرمایه‌گذارها مشخص می‌شود. مثلاً در کشور نروژ نرخ این مالیات ۵۰ درصد است. در عین حال به شرکتهای پاداشی نیز داده می‌شود بدین مفهوم که به آنها اجازه داده می‌شود درصدی بیشتر از میزان سرمایه‌گذاری را در محاسبات هزینه‌های سرمایه‌گذاری خود اعمال نمایند که در حقیقت مشوقی برای سرمایه‌گذاری بیشتر در حوزه‌های نفتی است. نرخ تشویقی

سرمایه‌گذاری در نروژ برابر ۵٪ در سال (حداکثر تا ۶ سال) یا ۳۰٪ هزینه‌های سرمایه‌ای طی این دوره است. در این روش مالیات بر درآمد جزء کسورات مالیات ویژه لحاظ می‌شود. در دانمارک نیز نرخ مالیات ۷۰٪ و نرخ تشویقی سرمایه‌گذاری ۲۵٪ و برای مدت ۱۰ سال می‌باشد و مالیات بر درآمد می‌تواند جزء کسورات مالیات بر هیدروکربور قرار گیرد.

#### ۵-۹. مالیات بر مازاد سود بر حسب نرخ بازگشت سرمایه<sup>۱</sup>

در این روش، دولت پس از اینکه نرخ بازگشت سرمایه از میزان معینی فراتر رفت مجاز به دریافت بخشی از درآمدهای پروژه خواهد بود. مثلاً در کشور گینه نو در نرخ بازگشت سرمایه معادل ۲۷/۵ درصد، ۵۰ درصد از نقدینگی پروژه اخذ می‌گردد یا در روسیه (پروژه ساخالین ۲) سهم نفت منفعتی<sup>۲</sup> در نرخ بازگشت سرمایه کمتر از ۱۷/۵ درصد برابر ۱۰٪ و در نرخ بازگشت کمتر از ۲۴ درصد این سهم ۵۰ درصد و در نرخ بازگشت بالای ۲۴ درصد این سهم برابر ۷۰ درصد تعیین شده است.

#### ۵-۱۰. عوارض وارداتی

اکثر کشورها این عوارض را دریافت می‌نمایند. در مورد اقلام مورد استفاده در صنعت نفت، نرخ این عوارض بین ۵ تا ۳۰ درصد است. همچنین در برخی کشورها پرداختهایی تحت عناوین مالیات بر فروش، مالیات بر گردش مالی و یا مالیات صنعتی وجود دارد که منجر به افزایش هزینه‌های عملیاتی و سرمایه‌ای پروژه‌ها می‌گردد.

#### ۵-۱۱. مالیات بر دارایی‌ها<sup>۳</sup>

این مالیات از ارزش افزوده داراییهای مستهلك شده غیرمنقول مانند ساختمان و تجهیزات دریافت می‌شود. مثلاً در آمریکا روی ارزش تجهیزات در مرحله ساخت ۲٪ مالیات گرفته می‌شود و یا در روسیه ۳٪ قیمت اولیه دارایی قبل از استهلاك مالیات گرفته می‌شود. در ایالت لوئیزیانا از ارزش هیدروکربن قابل استحصال از هرچاه نفت یا گاز ۱/۵۷۵ درصد، در کالیفرنیا ۱ درصد و در آرکانزاس ۳/۵۹٪ مالیات دریافت می‌گردد.

1. ROR Based Addition Profit Tax

2. Profit Oil

3. Property Tax

## ۵-۱۲. مالیات بر استخراج منابع

این مالیات براساس میزان تولید و با هدف کنترل و تنظیم قیمتهای داخلی اخذ می‌گردد مثلاً در روسیه به ازاء هر بشکه نفت تولیدی ۲ دلار دریافت می‌شود. در ازبکستان نرخ این مالیات برای گاز ۵۳/۷ درصد و برای نفت ۶۳/۲ درصد است و در کانادا براساس مقیاس پله‌ای این مالیات دریافت می‌گردد به این ترتیب که ۳۰ میلیون بشکه اول از مالیات معاف است تا ۳/۱۴۶ میلیون بشکه در سال، صفر درصد، تا ۳/۷۷۶ میلیون ۱۰ درصد تا ۴/۴۰۵ میلیون بشکه در سال ۲۰ درصد و تا ۵/۳۰۴ میلیون بشکه ۳۰ درصد و بیشتر از آن نرخ مالیات ۳۵ درصد می‌باشد.

گرچه تمامی این اقلام اسامی مختلف برای اخذ مالیات دولت می‌باشد اما هر یک از این نرخ‌ها می‌توانند تأثیر مهمی بر فعالیت‌های بالادستی داشته باشند. به عنوان مثال در میداین نفتی که حجم ذخایر آن کم است و شرایط بهره‌برداری بسیار دشوار، لازم است که نرخ بهره‌مالکانه بسیار کمی تعیین گردد و در عوض مالیات‌های دریافتی در مراحل آخر یعنی مالیات بر سود در سطح بالاتری قرار گیرد. در غیر اینصورت توسعه میدان‌های نفتی که در آبهای عمیق قرار دارند و یا میدان‌های قدیمی نفتی هرگز مورد استقبال سرمایه‌گذاران قرار نخواهد گرفت.

در هر حال نوع و مفاد قرارداد در نحوه برداشت از مخازن تأثیرگذار است. مثلاً اگر میزان بهره مالکانه دریافتی مبتنی بر برنامه تولید نفت<sup>۱</sup> تنظیم شود و به همان ترتیب دارای نرخ کاهنده برای سالهای پایانی عمر مخزن باشد، این امر باعث خواهد شد که بهره‌بردار تلاش نماید که حداکثر بازیافت از ذخایر را داشته باشد. در واقع این مکانیزم می‌تواند ضریب بازیافت نفت<sup>۲</sup> را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین رژیم مالی نباید فقط به سهم دولت و سهم شرکتهای نفتی توجه نماید بلکه بایستی به اثرات اعمال ضریب‌های مختلف بر بهره‌برداری نیز توجه ویژه داشته باشد. لذا لازم است که ترکیب بهینه انواع مالیات‌ها و از جمله بهره مالکانه در یک رژیم مالی مناسب مد نظر قرار گیرد.

بنابراین در صنعت نفت، رانت اقتصادی مابه‌التفاوت ارزش تولیدات هیدروکربوری و هزینه‌های استحصال و استخراج آن است. در حقیقت رانت اقتصادی مشابه با سود مضاعف است که دولتها با وضع قوانین بصورت مالیات، بهره مالکانه و پاداش دریافت می‌کنند. این مجموعه قوانین در محدوده قراردادهای ویژه نفتی بین‌المللی بین دولتها و

1. Production Profile  
2. Recovery Factor



## فصل نامه مطالعات اقتصاد انرژی

پیمانکاران نفتی بین‌المللی جهت چگونگی و نحوه تقسیم منافع حاصل از محصولات تولیدی تدوین و توافق گردیده و به مرحله اجراء گذارده می‌شود. دیاگرام زیر نحوه توزیع و اجزاء عمده رانت منبع<sup>۱</sup>، سهم دولت<sup>۲</sup> و حقوق پیمانکار<sup>۳</sup> را نشان می‌دهد، بنابراین:

- ◀ پوشش هزینه‌ها<sup>۴</sup> شامل هزینه‌های اکتشافی، توسعه‌ای و عملیاتی است.
- ◀ حقوق پیمانکار شامل هزینه‌های اکتشافی، توسعه‌ای، عملیاتی و سود پیمانکار می‌باشد.
- ◀ کل سود مابه‌التفاوت در آمد و هزینه‌های طرح است که بین دولت و پیمانکار تقسیم می‌گردد.
- ◀ سهم دولت شامل پاداش، بهره مالکانه، مالیاتها، مشارکت در تولید و مشارکت در سرمایه گذاری است.

نحوه تقسیم و تخصیص درآمد ناخالص حاصل از پروژه نفتی



1. Resource Rent
2. Govemment take
3. Contractor Entitlement
4. Cost Recovery

### ۶. کاربرد ابزارهای مالی در قراردادهای نفتی

بررسی قراردادهای نفتی نشان می دهد که ابزارهای مالی مختلفی در هر یک تعبیه شده که دولت ها می توانند منافع خود را تضمین نمایند. اصولاً ترکیب ابزارهای مالی سبب می شود که قراردادها از حالت عمومی خود خارج شوند و در حقیقت نوع خاصی از آن شکل گیرد یعنی به راحتی نمی توان بر اساس تعاریف قراردادها که قبلاً ارائه شد آنها را طبقه بندی کرد، زیرا ترکیب هر یک از این ابزارهای مالی با دیگری می تواند نوع خاصی از قرارداد را شکل دهد. جدول ۲ بررسی ۱۴۶ قرارداد را نشان می دهد که قراردادهای تعریف شده، مثلاً قرارداد امتیاز انحصاری یا مشارکت در تولید، در آن بسیار اندک است. یعنی تنها سه مورد قرارداد امتیاز انحصاری و ۱۳ مورد قرارداد مشارکت در تولید منعقد شده است. جدول ۱ بیانگر ابزارهای مالی به کار گرفته شده در قراردادهای مورد بررسی است.

جدول ۱. بررسی ابزارهای مالی در قراردادهای نفتی

تعداد	بهره مالکانه	مالیات بر درآمد	تسهیم سود	مشارکت در تولید	مشارکت در سرمایه گذاری
۳	✓				
۵		✓			
۳۸	✓	✓			
۴		✓	✓	✓	
۹	✓	✓	✓		
۱۳				✓	
۱۱		✓		✓	
۱۵	✓	✓		✓	
۱		✓	✓		
۲۰	✓	✓	✓	✓	
۳	✓		✓		✓
۸	✓	✓	✓		✓
۳				✓	✓
۲		✓		✓	✓
۳	✓			✓	✓
۷	✓	✓		✓	✓
۱	✓	✓	✓	✓	✓
۱۴۶	۱۰۷	۱۲۰	۲۶	۵۶	۴۶

مأخذ: مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، تدوین رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۸۳

البته ذکر این نکته ضروری است که در هر یک از قراردادهای متفاوتی در مورد ابزارهای مالی اعمال می‌شود که بستگی به شرایط فنی مخازن نفت و گاز، قیمت‌ها، موقعیت جغرافیایی، شرایط اقتصادی و سیاسی و... دارد. بررسی ۲۶۸ قرارداد مشارکت در تولید در ۷۴ کشور جهان که طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۶۶ منعقد شده نشان می‌دهد که متوسط نرخ بهره مالکانه در قراردادهای نفتی (عمدتاً قراردادهای مشارکت در تولید) در سطح جهانی از ۵ تا ۲۰ درصد متغیر بوده است. این نرخ در آسیا و اروپای شرقی بین ۶-۵ درصد در آمریکای جنوبی، خاورمیانه و آفریقای مرکزی و جنوبی ۵/۸-۸ درصد و در شمال آفریقا و آمریکای مرکزی ۱۰ درصد گزارش شده است. بررسی دیگری متوسط این نرخ را برای ۶۸ کشور ۵/۷ درصد و برای ۲۹ کشور با ریسک کمتر ۶/۱ درصد عنوان می‌کند. این رقم در قراردادهای مشارکت در تولید منعقد در ایران در ابتدا ۱۲/۵ درصد و پس از عقد قرارداد الحاقی با کنسرسیوم نفت به ۲۰ درصد افزایش یافته است. براساس پیش‌بینی صورت گرفته این نرخ در اروپای شرقی و شمال آفریقا بشدت در حال افزایش است اما در آفریقای مرکزی و جنوبی، آمریکای مرکزی و کارائیب، خاورمیانه و آمریکای جنوبی به آهستگی در حال رشد است. بخش دیگری که در قراردادهای نفتی بیانگر سهم دولتها از منافع بدست آمده از ذخایر نفتی می‌باشد مالیات است که تحت عنوان مالیات بر درآمد از شرکتهای طرف قرارداد اخذ می‌گردد. بررسی انجام شده حاکی از آن است که نرخ مالیات در قراردادها در محدوده ۶۰-۰ درصد قرار داشته است. در بیش از ۲۰ درصد قراردادهای مشارکت در تولید، مالیات از سهم نفت شرکتهای طرف قرارداد اخذ می‌گردد. متوسط نرخ مالیات در قراردادهایی که مالیات بر درآمد داشته اند ۴۵ درصد است. متوسط این نرخ در آسیا تا سال ۱۹۹۰، ۴۱ درصد را نشان می‌دهد. در ایران نیز این نرخ بین ۵۰ تا ۸۵ درصد تعیین شده بود مالیات بر درآمد شرکتهای در قراردادهای مشارکت ایران در قبل از انقلاب ابتدا ۵۵-۵۰ درصد پیش‌بینی شد که با تصویب اپک برای اخذ ۳۰ درصد مالیات اضافی به ۸۵ درصد رسید. اخیراً با تصویب قانون جدید مالیاتهای مستقیم، نرخ مالیات بر درآمد شرکتهای به ۲۵ درصد تقلیل یافته است که در مورد فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز هیچ استثنایی قائل نمی‌شود. جدول ۳ متوسط نرخ ابزارهای مختلف مالی در قراردادهای نفتی مشارکت در تولید و مقایسه آن با ایران را نشان می‌دهد.

از مهمترین ابزارهای مالی در قراردادهای نفت و گاز بهره مالکانه و مالیات بر درآمد شرکتهای فعال در بخش بالادستی است. بررسی نرخ‌های بهره مالکانه که در کشورها

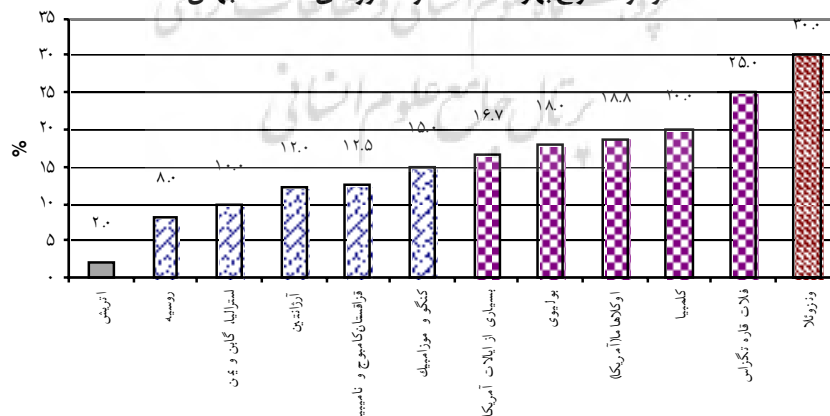
جدول ۲. متوسط نرخ ابزارهای مالی در قراردادهای نفتی مشارکت در تولید و مقایسه آن با ایران

نام منطقه	قراردادهای مشارکت در تولید یا خدمت						بهره مالکانه (درصد)	دامنه نرخ بهره مالکانه	سهام دولت از سود عملیات نفتی	
	مالیات بر درآمد	پاداش به میلیون دلار		جمع پاداش به میلیون دلار	حد اقل	حد اکثر				
		قرارداد	بهره برداری							
آسیا	۱/۸	۵	۱/۸	۶/۸	۵۵/۸۵	۶۱/۷۹	۱۲/۵-۰ درصد	حد اکثر	حد اقل	
آمریکای مرکزی	-	-	-	-	۳۵/۲۹	۶۳/۴۷	حد اکثر ۲۰ درصد	حد اکثر	حد اقل	
آمریکای جنوبی	-	۱۰	-	۱۰	۵۸	۶۱/۲	حد اکثر ۲۰ درصد	حد اکثر	حد اقل	
اروپای شرقی	۰/۷۵	۲	۰/۷۵	۲/۷۵	۴۸/۷	۶۳	۱۷/۵-۰ درصد	حد اکثر	حد اقل	
خاورمیانه	۶	۸	۶	۱۴	۷۲/۲	۸۴/۲۵	حد اکثر ۲۰ درصد	حد اکثر	حد اقل	
شمال آفریقا	۳	۶	۳	۹	۶۱/۳۳	۸۲	حد اکثر ۲۰ درصد	حد اکثر	حد اقل	
آفریقای مرکزی و جنوبی	۲/۵	۵	۲/۵	۷/۵	۴۴/۳۱	۷۰/۸۳	حد اکثر ۲۰ درصد	حد اکثر	حد اقل	
ایران	۵۰-۸۵	متوسط ۱۶ (۴-۴۰)	متوسط ۸ (۵-۱۰)	۲۴	۷۵	۹۱/۵	حد اکثر ۲۰ درصد	حد اکثر	حد اقل	

مأخذ: مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، امکانات بالقوه جذب سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت جلد ۲

اعمال شده حاکی از محدوده وسیعی است که به قانون منابع هیدروکربوری، شرایط اقتصادی و فنی مخازن نفت و گاز، سیاستهای انگیزشی و سایر عوامل تأثیر گذار برای تعیین نرخ بهره مالکانه برمی گردد. نمودار ۲ نرخهای متفاوت بهره مالکانه در کشورهای مختلف جهان را نشان می دهد. همانطور که ملاحظه می شود بیشترین نرخ بهره مالکانه ۳۰ درصد و مربوط به ونزوئلا است. البته لازم به ذکر است که در قانون منابع هیدروکربوری این کشور نرخ بهره مالکانه در محدوده ۳۰-۱۶/۶۷ تعیین شده که در

نمودار ۲. نرخ بهره مالکانه در کشورهای مختلف جهان

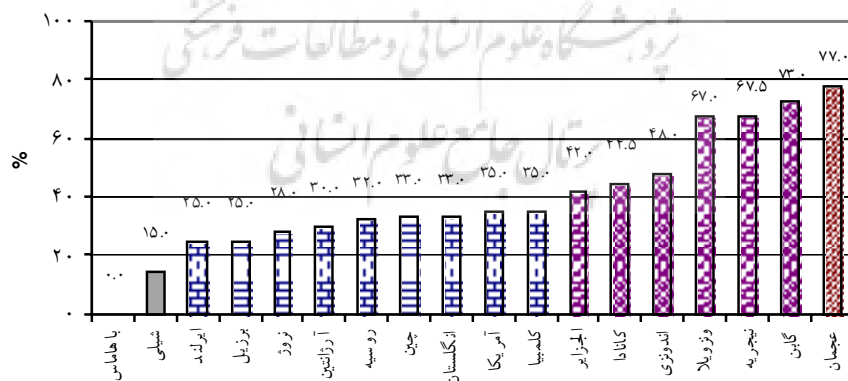


## فصل نامه مطالعات اقتصاد انرژی

قراردادهای منعقد شده شرایط فنی، اقتصادی و جغرافیایی در تعیین این نرخ بسیار مؤثر است یعنی برای بهره‌برداری از منابع نفت فوق‌سنگین کمربند اورینوکو<sup>۱</sup> حداقل این نرخ اعمال می‌گردد. در فلات قاره تگزاس و کلمبیا نرخ بهره‌مالکانه به ترتیب ۲۵ و ۲۰ درصد است در حالیکه در کشور اتریش این نرخ ۲ درصد تعیین شده است.

بررسی نرخ مالیات در کشورهای مختلف جهان نیز حاکی از آن است که دولتها برای جذب رانت اقتصادی حاصل از فعالیت‌های بالادستی صنعت نفت نرخ‌های متفاوتی را دریافت می‌کنند که بستگی به اهداف دولت‌ها و همچنین عواملی که در بالا ذکر گردید دارد. بالاترین نرخ مالیاتی اعمال شده مربوط به کشور عجمان یعنی ۷۷ درصد است. گابن، نیجریه و ونزوئلا نیز به ترتیب نرخ‌های مالیاتی ۷۳، ۶۷/۵ و ۶۷ درصد را در کشور خود برقرار کرده‌اند. در کشور شیلی این نرخ ۱۵ درصد ولی در باهاماس نرخ مالیات بر شرکت وجود ندارد. البته بسیاری از کشورها برای اینکه انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری ایجاد کنند اقدام به کاهش یا حذف نرخ بهره‌مالکانه نموده‌اند ولی در عوض نرخ‌های مالیاتی بالایی را بر فعالیت‌های بالادستی وضع کرده‌اند. البته کشوری مانند نروژ علاوه بر نرخ مالیات ۲۸ درصدی که برای تمامی شرکت‌ها اعمال می‌کند، مالیات ویژه‌ای نیز به میزان ۵۰ درصد از فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز دریافت می‌نماید که در اینصورت نرخ مالیاتی مؤثر را به ۷۸ درصد افزایش خواهد داد ولی باید توجه داشت که نروژ از سال ۱۹۸۶ اقدام به حذف بهره‌مالکانه در قراردادهای خود نموده است. نمودار ۳ نرخ‌های مختلف مالیات بر عملکرد شرکت‌ها را نشان می‌دهد.

نمودار ۳. نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌های فعال در عملیات بالادستی در کشورهای مختلف جهان



### 1. Orinoco Belt

## ۷. قانون منابع هیدروکربوری / نفت و رژیم مالی در ایران

طراحی و تدوین یک رژیم مالی در همه کشورها با اهداف خاص و بر پایه قوانین و مقررات حاکم بر آن کشور صورت می گیرد. در حقیقت می توان تمامی قوانین و مقررات کشور در ارتباط با منابع هیدروکربوری را در قانون منابع هیدروکربوری/نفت گردآوری کرد و همچنین موارد خاصی که لازم است در این رابطه به آن پرداخته شود را به این مجموعه افزود. در این صورت چارچوب قانونی مشخصی برای مالک ذخایر (دولت) و شرکت های پیمانکار اعم از شرکت های ملی و بین المللی وجود خواهد داشت که شفافیت بیشتری را بویژه برای سرمایه گذاران خارجی به همراه دارد.

عدم شفافیت قراردادهای نفتی در طول سال های گذشته سبب شده که نقدهای فراوانی در مورد آن ها صورت پذیرد. با توجه به اینکه معیار مشخصی در ارتباط با ارزیابی هر یک از آن ها وجود نداشته است هنوز هم ابهامات و انتقادات در مورد قراردادهای منعقد برقرار است. درحالیکه قانون نفت/ منابع هیدروکربوری می تواند چارچوب و معیار مشخصی را برای ارزیابی این قراردادها تعیین نموده و از چالش ها در این زمینه بکاهد در حقیقت می توان گفت که این قانون متدولوژی یکسانی را برای ارزیابی تمامی مسئولان و کارشناسان فراهم می آورد. در نتیجه با مشخص شدن چارچوب و متدولوژی از اختلاف برداشت و استنتاجات سلیقه ای جلوگیری به عمل می آید و می توان با استفاده از نقطه نظرات منتقدان و کارشناسان، قراردادهایی را منعقد نمود که منافع بیشتری را در پی داشته باشد. بنابراین اگر کشور بی نیاز از تعامل با شرکت های بین المللی نیست که چنین به نظر می رسد لازم است ابتدا قانونی تصویب گردد که منتج از قانون اساسی و قوانین قضایی، مالیاتی، صادرات، واردات و ... بوده و در آن موادی نیز که مربوط به برخی امتیازها و استثنائات نیز می شود تبیین شده باشد.

در قانون نفت مصوب مهر ۱۳۶۶ که دارای ۱۲ ماده است تنها به تعاریف و حق مالکیت دولت نسبت به انفال و ثروت های ملی بسنده شده و همچنین به منظور اعمال کنترل بیشتر، وزارت نفت نیز جایگزین شرکت ملی نفت ایران گردیده است. بنابراین این قانون تنها کاربرد داخلی داشته و نیازهای فعلی کشور را مرتفع نمی سازد. البته در قانون نفت مصوب ۱۳۵۳ قراردادهای پیمانکاری مجاز شمرده شده و در نتیجه محدودیت قانونی را ایجاد کرده است. ولی با توجه به شرایط فعلی طراحی و تدوین رژیم مالی در چارچوب قانون منابع هیدروکربوری/نفت ضروری است. لذا با استفاده از قوانین نفت مصوب در سال های

مختلف می‌توان منابع هیدروکربوری را تدوین و تصویب نمود که براساس نیازهای روز شکل گرفته باشد.

پس از تدوین این قانون لازم است ابزارهای مالی نیز در آن تعبیه گردد که حداکثر منافع جامعه را تضمین نماید با توجه به بررسی‌های انجام شده مهمترین ابزارهای مالی برای جذب رانت اقتصادی در صنعت نفت بهره مالکانه، مالیات بر درآمد شرکت، مالیات ویژه اجاره‌بها و پاداش است که می‌توان در یک رژیم مالی از آنها استفاده کرد و رانت اقتصادی را جذب نمود که می‌تواند در قانون منابع هیدروکربوری / نفت ایران نیز مورد استفاده قرار گیرد

#### - بهره مالکانه

بررسی تجارب کشورها نشان می‌دهد که بالاترین نرخ بهره مالکانه ۳۰ درصد و مربوط به ونزوئلا است. در کشور ما نیز در قراردادهای مشارکت در تولید در قبل از انقلاب، نرخ بهره مالکانه در محدوده ۲۰-۱۲/۵ درصد تعیین شده بود. بنابراین با توجه به اینکه بهره‌دهی حوزه‌ها و چاه‌های نفتی ایران از متوسط جهانی بالاتر است می‌توان این نرخ را از ۱۵ تا ۳۰ درصد از کل تولید خالص در نظر گرفت.

#### - مالیات بر عملکرد/ درآمد شرکت‌ها

نرخ مالیات بر درآمد شرکتها در ایران براساس اصلاحیه قانون مالیاتها ۲۵ درصد تثبیت گردیده است. بنابراین دولت مجاز است از سود حاصل از عملیات بالادستی نفت و گاز در شرکت‌های نفتی اعم از داخلی و بین‌المللی مالیات دریافت نماید.

#### - اجاره‌بها

رقم اجاره‌بها را می‌توان بر اساس روش تصاعدی تعیین کرد تا شرکت پیمانکار ترغیب به بازگرداندن سریع زمین‌های مورد اجاره گردد. لذا پس از واگذاری مناطق برای اکتشاف در صورتیکه پس از دو سال فعالیت‌های اکتشافی به نتیجه نرسید می‌توان مبلغ اجاره‌بها را بشدت افزایش داد و این روند صعودی برای سال‌های بعد نیز تداوم می‌یابد به گونه‌ای که هزینه نگهداری زمین‌های مورد اجاره برای شرکت‌های پیمانکار بسیار سنگین باشد. البته در مراحل توسعه و تولید نیز می‌توان اجاره‌بها را ۳۰ تا ۵۰ برابر نرخ اولیه در قراردادهای اکتشافی افزایش داد بنابراین می‌تواند در زمان اکتشاف مبلغ ۳۰ دلار در هر کیلومتر مربع

به عنوان اجاره بها دریافت گردد و این رقم در سال سوم به ۱۰۰ دلار/ کیلومتر مربع افزایش یابد. برای سالهای چهارم و پنجم این رقم را می توان به ۲۰۰ و ۳۰۰ دلار/ کیلومتر مربع افزایش داد. در مراحل توسعه و تولید نیز دولت مجاز به دریافت مبلغ ۱۵۰۰-۱۰۰۰ دلار در هر کیلومتر مربع خواهد بود

#### - پاداش

در زمان واگذاری منطقه و اعطای مجوز فعالیت از طریق برگزاری مزایده حداکثر میزان پاداش حاصل خواهد شد. همچنین در صورتیکه فعالیت های اکتشافی موفقیت آمیز باشد و منجر به توسعه و تولید نفت و گاز گردد نیز می توان بر اساس روش پلکانی این پاداش را تعیین کرد.

#### - مالیات ویژه نفت

دولتها با وضع مالیات ویژه بر فعالیت های بالادستی بخش عمده ای از رانت حاصل از فعالیت های نفتی را کسب می نمایند. در نروژ علاوه بر مالیات بر درآمد (سود)، مالیات ویژه ای (بر درآمد) نیز اخذ می گردد که نرخ آن ۵۰ درصد سود حاصل از فعالیت شرکت است ولی در ونزوئلا مالیات بر درآمد (سود) در بخش نفت ۶۷/۷ درصد تعیین شده است که حاکی از اعمال نرخی متفاوت از سایر فعالیت های اقتصادی در این کشورهاست. قبل از انقلاب در روابط دولت ایران و کنسرسیوم، اقلامی چون پرداخت مشخص (بهره مالکانه)، و رقم تعدیلی (جذب درآمدهای اضافی که در اثر افزایش قیمت نفت حاصل می شد) و یا پرداختهای (مالیتهای) اضافی یا مخصوص که از شرکتهای عامل قراردادهای مشارکت در تولید به میزان ۳۰ درصد علاوه بر ۵۵ درصد مالیات بر درآمد اخذ می شد.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که با توجه به اینکه در سیستم قراردادی بر خلاف سیستم انحصار در تولید، مالکیت منابع در زیر زمین مطرح نبوده و تنها مالکیت می تواند در نقطه صادرات منتقل گردد، لذا سیستم قراردادی در قانون منابع هیدروکربوری/ نفت<sup>۱</sup> در تعارض با قانون اساسی نبوده و بر اساس اصل ۷۷ «عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قراردادها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای

۱. قانون منابع هیدروکربوری جدید سایر قوانین نفت را ملغی خواهد کرد.



اسلامی برسد» مصوبه مجلس ضرورت خواهد داشت، بنابراین در سیستم قراردادی می‌توان از ابزارهای مالی برای حداکثر کردن درآمد دولت استفاده نمود. در صورتیکه ابزارهای کنترل و نظارت به‌خوبی طراحی و اجرا گردند جامعه می‌تواند از فعالیت بخش خصوصی که کارایی و توان مدیریتی بالاتری نسبت به بخش دولتی دارد، منتفع شود.

### ۸. رژیم مالی و شرکت ملی نفت ایران

در قانون نفت مصوب مهر ۱۳۶۶ رابطه بین حاکمیت و تصدی مشخص نگردیده و دولت (وزارت نفت) بجای سیاست‌گذاری و اعمال نظارت، در بخش عملیات نیز وارد شده و در نتیجه وظایف حاکمیت و تصدی در یک‌جا متمرکز گردیده است. لذا بسیاری از تصمیمات به‌دلیل دخالت دولت در بخش تصدی بر اساس برخی ملاحظات که اساساً توجیه اقتصادی نیز نداشته‌اند، گرفته شده است. زیرا منافع مالک و متصدی با یکدیگر پیوند خورده و تمامی تصمیمات بدون توجه به منافع ملی و کلان اقتصادی گرفته شده است.

در حقیقت در این قانون وظایف حاکمیتی دولت (وزارت نفت) تصریح نشده است. در حالیکه در یک قانون منابع هیدروکربوری که از جامعیت لازم برخوردار است می‌بایست وظیفه دولت یا نماینده آن و شرکت‌های فعال در این صنعت اعم از ملی و بین‌المللی مشخص گردد. در این حالت رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران نیز تعیین می‌گردد و در نتیجه صورت‌های مالی شرکت بسیار شفاف ارائه خواهد شد و لذا کنترل آن به‌سهولت انجام می‌پذیرد.

تجارب گذشته پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که رابطه دولت و شرکت ملی نفت ایران در چارچوب معین و تعریف شده‌ای شکل نگرفته و همواره این رابطه دستخوش تغییر بوده است، بطوریکه قوانین سالانه بودجه و برنامه‌های پنج ساله توسعه بشدت بر این روابط تأثیرگذار بوده‌اند. حتی اعمال محدودیت‌های بودجه‌ای از سوی دولت و مجلس سبب شده است که حتی برخی از اقلام مالی در صورتهای مالی شرکت تغییر نماید و پیگیری آن در سال‌های متوالی به راحتی امکان‌پذیر نباشد که خود عدم شفافیت مالی را در پی داشته است. در حقیقت اعمال کنترل بر شرکت ملی نفت ایران سبب شده تا این شرکت به تدریج از یک شرکت دولتی به یک واحد اداری/ عملیاتی دولت سوق یابد که تنها وظیفه‌اش تأمین نیازهای ارزی دولت است. بنابراین هدف از تشکیل یک شرکت که همانا انجام فعالیت‌های اقتصادی بدور از بروکراسی اداری است در طی این سالها فراموش شده

است. لذا بهبود بهره‌وری، افزایش راندمان، کاهش هزینه‌ها و افزایش سود از دستور کار چنین شرکتی خارج شده و ارزیابی عملکرد در این راستا بی‌معنی خواهد بود. آشکار شدن معضل سرمایه‌گذاری در طی دهه گذشته سبب شد که دولت و مجلس برای رفع آن قوانین مختلفی وضع نمایند تا جائیکه سرمایه‌گذاری خارجی بر خلاف قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ مجاز شمرده شد. البته آنچه مسلم است محدودیت‌های سرمایه‌گذاری که در بودجه اعمال گردیده از یک سو و سوء مدیریت در کنترل پروژه‌ها سبب گردیده تا بحران سرمایه‌گذاری در صنعت نفت شکل گیرد که خود یکی از تبعات شرکت‌هایی است که بر اساس معیارهای اقتصادی فعالیت و تصمیم‌گیری نمی‌نمایند. در شرایط فعلی تفکیک وظایف حاکمیتی و تصدی اجتناب‌ناپذیر است لذا لازم است در قانون منابع هیدروکربوری وظایف واحدهای حاکمیتی و تصدی نیز بروشنی تدوین و تبیین گردند به نحوی که نقش وزارت نفت به عنوان سیاست‌گذار، عامل ناظر و نماینده سهامدار (دولت) تعریف شده و شرکت ملی نفت ایران نیز فعالیت‌های عملیاتی را بر اساس اصول بنگاه‌داری دنبال نماید. در اینصورت دولت از طریق مجمع عمومی در شرکت ملی نفت ایران سیاست‌گذاری نموده و از همین طریق نیز می‌تواند بر مدیر عامل و هیئت مدیره شرکت ملی نفت نظارت و کنترل داشته باشد.

در صورت مشخص شدن رژیم مالی حاکم بر فعالیت‌های بالادستی و حتی پایین‌دستی، شرکت ملی نفت ایران نیز می‌بایست در این چارچوب فعالیت نماید. بنابراین ضمن اینکه شرکت ملی نفت ایران استقلال مالی خواهد داشت و می‌تواند بر اساس اصول بنگاهداری فعالیت‌های خود را سازماندهی کند دولت نیز ضمن جذب رانت اقتصادی می‌تواند در نظارت و کنترل بر این شرکت نقش خود را ایفا نماید. دولت به‌عنوان تنها سهامدار شرکت ملی نفت ایران می‌تواند ضمن سیاست‌گذاری در بخش نفت، سودآوری منطقی را نیز از شرکت ملی نفت ایران البته در مقایسه با سایر شرکت‌های نفتی انتظار داشته باشد. در اینصورت مدیر عامل و مدیران شرکت ملی نفت ایران می‌بایست در مجمع عمومی از عملکرد خود که بر اساس شاخص‌ها و معیارهای مشخص قابل اندازه‌گیری است، دفاع نمایند در غیر این صورت ادامه فعالیت آنان توجیه نخواهد داشت.

استفاده از ابزارهای مالی و شاخص‌های کنترلی می‌تواند بستر لازم برای اعطای استقلال مالی به شرکت ملی نفت ایران را فراهم آورد. بنابراین می‌توان در گام اول با استفاده از ابزارهای مالی همچون بهره مالکانه، مالیات بر درآمد و مالیات ویژه، رانت

اقتصادی حاصل از فعالیت‌های شرکت ملی نفت ایران را جذب نمود. به دلیل عدم انجام مطالعات دقیق مخازن و عدم وجود سیستم مالی جداگانه برای هر یک از مخازن نفتی و گازی برای تعیین نرخ بهره‌مالکانه می‌توان نرخ مشخصی را تعیین نمود که با توجه به بهره‌دهی بالای چاه‌های نفتی ایران می‌توان نرخ بهره‌مالکانه برای شرکت ملی نفت ایران را ۳۰ درصد تعیین کرد. لذا اگر نرخ بهره‌مالکانه پیشنهادی در مورد کل درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز اعمال گردد با توجه به امکانات فعلی سیستم مالی دولت و شرکت ملی نفت ممکن و سهل‌الوصول خواهد بود. لازم به ذکر است که شرکت ملی نفت ایران می‌بایست ضمن پرداخت علی‌الحساب بهره‌مالکانه هر دو هفته یکبار نیز آن را با دولت تصفیه نماید.

با توجه به قانون مالیات بر شرکت‌ها، شرکت ملی نفت ایران نیز می‌بایست ۲۵ درصد از سود خود را به عنوان مالیات بر عملکرد همچون سایر شرکتها به دولت بپردازد از آنجا که نرخ مالیات ثابت در نظر گرفته شده و با توجه به تثبیت نرخ بهره‌مالکانه در این چارچوب، تعیین مالیات ویژه نفت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود زیرا در غیراینصورت سود سهام شرکت ملی نفت به شکل غیرمعارفی افزایش خواهد یافت که مقایسه عملکرد شرکت را در سطوح ملی و بین‌المللی میسر نمی‌سازد<sup>۱</sup>. بنابراین پیشنهاد می‌گردد نرخ مالیات ویژه ۴۰ درصد سود ناخالص تعیین گردد. به منظور بررسی عملکرد الگوی پیشنهادی می‌توان سناریوهای قیمتی را در نظر گرفت و سپس تحلیل حساسیت نمود.

### - سناریوهای قیمتی

برای تحلیل حساسیت الگوی پیشنهادی با فرض تولید روزانه ۳/۹ میلیون بشکه، قیمت‌های متفاوتی را در محدوده ۴۵-۱۲ دلار/بشکه در نظر می‌گیریم. درآمدها و هزینه‌ها نیز براساس برخی برآوردها و ارزیابی‌ها در نظر گرفته شده است.

برآوردها حاکی از آن است که در سناریوهای قیمتی مختلف (۱۲ تا ۴۵ دلار/بشکه) سهم دولت با افزایش قیمت نفت خام رشد می‌یابد و بالعکس، که دلیل آن ثابت بودن هزینه‌های تولید، فروش و استهلاک شرکت ملی نفت است. به طوری که سهم دولت از کل درآمد حاصل از فروش نفت و گاز و همچنین مایعات و میعانات گازی در

۱. لازم به ذکر است که پس از اعمال ابزارهای مالی فعالیت شرکت ملی نفت ایران نیز منجر به سود خواهد شد که سود سهام نیز به دولت به عنوان تنها سهامدار تعلق می‌گیرد.

## فصل نامه مطالعات اقتصاد انرژی

محدوده ۹۴-۸۳ درصد قرار می‌گیرد. در حقیقت زمانی که قیمت‌ها در سطح ۱۲ دلار است سهم دولت ۸۳/۴ درصد و زمانی که قیمت‌ها به ۴۵ دلار/ بشکه افزایش می‌یابد سهم دولت نیز رشد یافته و به ۹۴/۲ درصد می‌رسد. جدول ۳ تحلیل حساسیت درآمد و سهم دولت را نشان می‌دهد.

**جدول ۳. تحلیل حساسیت درآمد و سهم دولت در رابطه مالی پیشنهادی**

واحد: میلیون دلار

توضیحات	سناریو					
	۴۵ دلار	۳۵ دلار	۲۴ دلار	۲۱ دلار	۱۸ دلار	۱۲ دلار
کل درآمد	۶۰۹۰۰	۵۳۸۰۰	۳۸۲۰۰	۳۳۹۰۰	۲۹۶۰۰	۲۱۱۰۰
کسر می‌شود:						
هزینه‌های تولید و فروش	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
نفت خام، گاز و مایعات گازی	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰
هزینه‌های استهلاک	۱۸۳۰۰	۱۶۱۰۰	۱۱۴۰۰	۱۰۲۰۰	۸۹۰۰	۶۳۰۰
بهره مالکانه	۲۱۸۰۰	۱۹۶۰۰	۱۴۹۰۰	۱۳۷۰۰	۱۲۴۰۰	۹۸۰۰
جمع هزینه‌ها و بهره مالکانه	۳۹۲۰۰	۳۴۲۰۰	۲۳۲۰۰	۲۰۲۰۰	۱۷۲۰۰	۱۱۳۰۰
سود ویژه قبل از مالیات						
کسر می‌شود:						
مالیات	۹۸۰۰	۸۵۰۰	۵۸۰۰	۵۱۰۰	۴۳۰۰	۲۸۰۰
مالیات ویژه	۱۵۷۰۰	۱۳۷۰۰	۹۳۰۰	۸۱۰۰	۶۹۰۰	۴۵۰۰
سود ویژه پس از مالیات	۱۳۷۰۰	۱۲۰۰	۸۱۰۰	۷۱۰۰	۶۰۰	۳۹۰۰
کسر می‌شود:						
ذخیره عمومی	۱/۴	۱۱۹/۶	۸۱/۳	۷۰/۸	۶۰/۳	۳۹/۴
اندوخته‌ها	.	.	.	.	.	.
سود قابل تقسیم	۱۳۶۰۰	۱۱۸۰۰	۸۰۰۰	۷۰۰۰	۶۰۰۰	۳۹۰۰
درآمد دولت:	۵۷۳۰۰	۵۰۲۰۰	۳۴۶۰۰	۳۰۳۰۰	۲۶۱۰۰	۱۷۵۰۰
بهره مالکانه	۱۸۳۰۰	۱۶۱۰۰	۱۱۴۰۰	۱۰۲۰۰	۸۹۰۰	۶۳۰۰
مالیات	۹۸۰۰	۸۵۰۰	۵۸۰۰	۵۱۰۰	۴۳۰۰	۲۸۰۰
مالیات ویژه	۱۵۷۰۰	۱۳۷۰۰	۹۳۰۰	۸۱۰۰	۶۹۰۰	۴۰۰
سود سهام	۱۳۷۰۰	۱۱۹۰۰	۸۱۰۰	۷۱۰۰	۶۰۰۰	۴۴۰۰
سهم دولت از کل درآمد (درصد)	۹۴/۰	۹۳/۳	۹۰/۶	۸۹/۵	۸۸/۰	۸۳/۲

مأخذ: مهران امیرمعینی «ارزیم‌های مالی در صنعت نفت؛ نظام مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران» مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی ۱۳۸۴

میزان تولید روزانه نفت خام ۳/۹ میلیون بشکه و هزینه حاصل از فروش گاز طبیعی و مایعات گازی معادل مقدار ثابت و حدود ۲ میلیارد دلار در سال در نظر گرفته شده است. دولت به عنوان تنها سهامدار، سود سهام را نیز به خود اختصاص می‌دهد ولی تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری و تقسیم سود سهام به عهده مجمع عمومی شرکت ملی نفت خواهد بود. البته لازم به ذکر است که بخشی از سود باید به عنوان منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در اختیار شرکت ملی نفت قرار گیرد که در مورد بخش باقی مانده آن مجمع عمومی تصمیم می‌گیرد.

شرکت ملی نفت ایران به عنوان متولی بخش بالادستی صنعت نفت، می‌بایست با اتکا به درآمدهای حاصل از این فعالیت‌ها به تأمین اعتبار برای طرح‌های سرمایه‌ای اقدام کند؛ لذا چنانچه دولت بخواهد برای سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی همچنان بر منابع داخلی شرکت تأکید نماید لازم است بخشی از سود سهام خود را در اختیار شرکت ملی نفت قرار دهد تا خدشه‌ای به روند سرمایه‌گذاری وارد نگردد. لازم به ذکر است در صورت تصویب طرح‌های سرمایه‌ای از سوی مجمع عمومی، دولت می‌تواند اجازه تأمین بخشی از اعتبار این طرح‌ها را از منابع خارجی (خارج از شرکت) به شرکت ملی نفت اعطا نموده و در عوض هزینه مربوط به بازپرداخت وام‌ها را به عنوان بخشی از هزینه‌های قابل قبول شرکت محسوب نماید. بنابراین ضمن این که مدیریت پروژه‌ها کارآمدتر خواهد شد؛ برای تأمین ارز مورد نیاز طرح‌های سرمایه‌ای فشار کمتری به دولت وارد می‌شود.

در این صورت ضمن این که مجمع عمومی بر فعالیت شرکت ملی نفت نظارت دارد بستر لازم برای تجاری شدن فعالیت‌های این شرکت را نیز فراهم می‌آورد. می‌توان امیدوار بود که سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت ناشی از فعالیت‌های این بخش بوده و وابستگی به سایر منابع درآمدی شرکت‌های فرعی و دولت از میان می‌رود. بررسی عملکرد شرکت ملی نفت در قالب تجاری و در مقایسه با سایر شرکت‌ها منجر به بهبود وضعیت شرکت و در نتیجه کاهش هزینه‌های آن خواهد شد، البته لازم است در سال‌های ابتدایی امتیازاتی به شرکت ملی نفت داده شود تا بتواند قدرت رقابت به ویژه در بازارهای بین‌المللی را به دست آورد. در حقیقت در سال‌های ابتدایی برای تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌ای و همچنین بازپرداخت برخی بدهی‌ها باید سهم بیشتری از سود قابل تقسیم به شرکت ملی نفت اختصاص یابد و همراه با بهبود وضعیت مالی شرکت ملی نفت ایران، به مرور از این سهم کاسته شود.

بر این اساس می‌توان گفت که عملکرد مالی شرکت بیانگر فعالیت‌های آن است و می‌توان با استفاده از معیارها و شاخص‌هایی این عملکرد را ارزیابی نمود. ارزیابی عملکرد و حسابدگی مدیران سبب می‌گردد انگیزه لازم برای بنگاهداری اقتصادی فراهم آید و شاهد بهبود بهره‌وری در شرکت ملی نفت ایران خواهیم بود در این صورت می‌توان گفت که این رابطه مالی نه تنها می‌تواند منافع دولت را تضمین نماید بلکه بستر لازم برای تجاری سازی فعالیت‌ها و حضور شرکت ملی نفت ایران در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد.

### منابع

۱. مهران امیرمعینی و سید محمد علی حاجی میرزایی «رژیم‌های مالی در صنعت نفت: نظام مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران» مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی ۱۳۸۴
۲. مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی «امکانات بالقوه و راهکارهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز» جلد‌های دوم و سوم، ۱۳۸۲
۳. مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی «تدوین رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران» ۱۳۸۳
۴. روابط عمومی وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران کالبد شکافی سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، ۱۳۸۲
۵. روابط عمومی شرکت ملی نفت «قانون نفت، اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و قراردادهای ششگانه پیمانکاری نفتی ایران»
۶. موحد، محمدعلی، نفت ما و مسائل حقوقی آن، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ سوم مرداد ماه ۱۳۵۷
7. Kristen Bindermann: Production-Sharing Agreements: An Economic Analysis” Oxford Institute for Energy Studies, wpm25 October 1999
8. Philip Andrews-Speed “Mineral and Petroleum Taxation” Course Note, University of Dundee.
9. “Oil: Policy Context and Economic Importance” [www.iea.org/pubs/reviews/files/nor97/noro8.htm](http://www.iea.org/pubs/reviews/files/nor97/noro8.htm)
10. “World fiscal systems for oil & Gas” Course Notes, 20<sup>th</sup>-24<sup>th</sup> May 2002, London
11. “Facts 2002” The Norwegian Petroleum Sector Ministry of Petroleum and Energy 2002
12. Philip Daniel “Workshop on Petroleum Revenue Management” The World Bank, Washington, D.C 23-34 October 2002

---

فصل نامه مطالعات اقتصاد انرژی

---

13. "Operating and Financial Review and Prospects" Statoil 2001
14. Annual Report 2001, PDVSA 2001
15. Rick Ensey "Incorporating Economic Rent into Strategic Management"  
<http://eplu.edu/portfolio/courses/2002/summer/590/rent.pdf>
16. "Ricardo and Economic Rent" [www.economics.utoronto.ca/munro5/ECONRENT.pdf](http://www.economics.utoronto.ca/munro5/ECONRENT.pdf)
17. Park, J. Jay "World Legal Systems and Contracts for Oil and Gas" Course Notes, Dec. 2003

